حساب غالب و مغلوب

وقعا الزوج وان فراد ان یسقطوا تسعها واکثرها
عند التقی الغد غالب و ینقلب مطلوب اذ
الزوج السوی و عند التقی الفرد لیغلب طالب
وان ... العدوان و الکسم واجه
فاحفظهم ... ملائک غالب

اگر سایلی سوال کند ده ۱۵ از ده برج ده ۱۵ ... ات
در وجود آدمی کدام است جواب بگو حمل
کرتی ثور کردن جوزا دستها سرطان
هر دو دستان اسد سینه سنبله روده میزان
ناف عقرب ذکر قوس رانها جدی زانوها
دلو هر دو ساق حوت هر دو کف پا ۱۲
ایضا جهة نجات آتش لتبان و یک سنگ آب
ندیده را نیز این را بر کاغذ بنویسد و باروغن
خوش چرب کند و در انور و یک انداز
و این طلسم را سنگ بنویسد و کوزه سنگ را
سوراخ کند با جوال ... را کند هر قطره
آب کرار کوزه سنگ بچکد بکر ندارد آتش را نیز زند
تجربت و ... است

انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس
مستمر و بحر مقدا ابلو بهم بنغرام الدیوه
ودوه قود و کش ما نخ ما لیخی هملا خیم
بارک الله علیکم تنزع الناس کانهم
نخل منقعر فی مقعد صدق عند
ملیک مقتدر ... ملدن ... ...
و بنویس بر کرون سنگ ۱۲۹۱ ۳ ذی ۹۹ ورا ۲ ۴ ۵
... ۶۳۶ دو ... دوا لیا ۵ ۲ ۹ ۱ ط ۵ ۱ ۲ ۴ ۵
... ۱ : ۹ ۳ ۱ ۶ | ۶ ۲ ۹ ۳ ۴ ۵ وی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی افاض الارواح من القدم واخرج الوجود من العدم حمداً لا یتناهی بما لا یتناهی

بدان که در بدی

که این رساله‌ایست از کتابهای گذشته و سریست قوی و ظاهریست مرئی و باطنیست خفی و جوهریست نقی اکنون مثالی که در این رساله است بر شناخت معبود و حل اشکال ثلثه و سموات سبع و حروف تسع و اجناس خمسه و انواع ثمانیه و اشخاص سته و بهترین جداول سبعه و حرکات سبعه و وسایط سبعه و نسبت جهات نقل و تحویل سوی هر قسم از اعمال بر قلب کردن حروف کلمه بر آن نقل و تحویل واقف شوی و نطق سوی آن و در رسم کردن صورتها باشی از جمله آنکه رسالهٔ مجموعه مکتوب است و نهایت مطلوب از علم غیوب پس هرگاه اظهار این اسرار و معرفه او را بجوی اعتصم بحول الله وقوته و ابتدا کن بقلب کردن حروف که معروف و مناسب حال باشد و قلب شکلهای او را تحقیق که آشکار شود ترا معانی آن بالتمام و ابتدا کن به عدد حروف و تکرار حروف در دوایر و اقدا کن از حروف کمال را و ثبت کن حروف کمال را در سطرهای او تا جمیع اسرار بر تو ظاهر شود و راه پنهانی بسبب آن در دلها بدرستی که نامیده شده است این رساله القطب الاسرار بعد از اظهار و نیز بدانکه مفتاح اینهمه اسرار جدید شده بدین ترتیب

ابتدا

قطب الاسرار

از نیست هست جمله و نیابد هیچ چیز و در دفتر که حقایق او در نهایت و اسرار او حساب و بدان بدرستی که از کلید این اسرار بسته است که پنج از پنج انگشت می‌شود از چهار پرکننده انگشتان با آن چهار بر وضع و سر او حل می‌شود بسبب تکرار و تعدد او ضبط کردن آنچه دلالت و شماره آنچه خارج است و هرگاه یافتی در عدد کوی لوح اعلا که ذکر شد خواهی دانست اسماء ظاهره و طلسمات باطنه را و بدانکه هر اسمی را طلسمیست و هر جسدی را از جسم اسمی جدا است هرگاه شناختی اسم را طلسم را نیز خواهی شناخت و حل می‌شود بر تو جسم و نسبت سوی معرفت اینها مگر قرار پنج باب حروف کلیات از نفس ذات و بدان بدرستی که مجموع اینها بیست و هشت دائره است بر سیزده شکل و هر شکل سیزده زاویه دارد و چهار مرکز هر دائره را چهار ستون قصاوت است و القاها و معنی حرکت به کون دو مرکز دارد و مشتمل است بر چهار قطر و هر قطری مشتمل است بر سه عدد عشرات مآت و الوف الوف و الوف و شمار عدد اسمای حروف حرکات را تا اگر غایب شود ضاد در دال و طا در شین و الف در دال اب ه و ط ی م ن ف ص ش ت ذ ض ج د ذ ج

ک ل س ع ق د ث خ ظ غ ه او ه ب ط ن م ی ف ت ش

ص ذ ض ج ح ذ د ک ع س ا ق خ ث ظ غ ه ذ ج ح

	ی	٢٣	٣	ب
	٢٨	ه	١۶	٢۶
٣۴	و		ورور	طه
	٢٢	١٢	ح	٢٢

هیچ قلب و فواد و سمع و ذهن و هیچ شیء از اندام و جمیع جوارح بدن فلان بن فلان محبة دارد و عشق فلانه بنت فلان الساعة ان الساعة الوحا الوحا العجل العجل

ز ل ن لـ ع س د ق ح ث ع ظ ه ب ا و ه ی ط ل م ص

ف ت ش ض ذ د ر ش ض د د ر س ج ح ل س لـ ع ر ث

ق خ غ ط ب ه ا و ی م ع ط ل ص ش ف ث ق ل ث ز خ ش

بدان بدرستی ای عزیز طالب سر خفی و جوهر نفس را انکه تمام وانقامت

وجود و موجودات همه در بیست و هشت حرف ظاهریست در ازل و بیست و هشت

حرف باطنیت دارد و حرفی دیگر که زاید بر این حروفست و غایب است

در وجود و ظاهرست در موجود که منقسم میشود بر سیزده قسم حروف

الهائیه ههه وحروف عقلیه ههه وحروف نفسیه ههههه وحروف

هیولانیه هههههه وحروف طبیعیه ههههههه وحروف فلکیه هههههههه

وحروف جرمانیه ههههههههه وحروف نورانیه ههههههههه وحروف

کونانیه ههههههه وحروف ذاتیه هههههههههه وحروف نباتیه

۱۵ وحروف معدنیه ۲۳ وحروف حیوانیه ۲۸

بعده اما حروف ظاهره که عبارتست از اشخاص معدوده و

انواع مکتوبه موزونه و اجناس محصوره محدوده با حروف باطنیه

این اهم اشاره است بسوی ذاتیات معلومه و صفات معروفه

و جنسیات منزه و اما حروف ظاهره و باطنه مفتاح ازل قدیم

ابجد

وبسم عظیمت والحمد لله رب العالمین نعت و ابتدا الحکیم بعدد رجال

و اسمهای ایشان که حروف ابجدست الذی والامام والحجاب

والبسیط والسابق والتالی والاساس والعمد والخازن

والحامل والاثنان الاصغر والاثنان الاکبر والزاهد

والمومن الاول والمومن الثانی والممتحن والناسخ والکوکب

والکروب والمومن والباب والیتیم والعالم

والفقیه والناطق والصامت والنجیب والمرتفع

والنقیب والحاجب والراکع والفیلسوف والتلمیذ

والعلم والملک والجریده والکابر والمعلن والواقف

والمقام والشاهد والخطیب والحجة والواصل

والملقن والنائب والخلف والواسطة والمدفن

والمکتب والشرایط والشراط والرحمة والخلد والناسک

والحیوة والباقی و ذو الامر تمت الاسماء والحمد لله رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم استخراج میکنم اسمهای ملائکه را از تکسیر و اثبات

اسمهای ایشان که ثبت شده است از باب تکسیر از زمام عشره اخر باب

تکسیر معلوم بشرح این است که اخذ کنند این کلمات را و نصب کنند حروف را

از باب کبیر تکسیر کنند مر فرا تا انکه رجوع کنه بحل مفرد سازند زمام اول
در زمام آخر باب را و در القلب کنند و شروع کنند در ابتدا از رح جمیع زمامها
و آن بیت زوفست در فن رابع و قاعده آنست که تکسیر حروف کنند
در زمامی که مقرون باشد با آن در زمام که ثبت شده چنانکه نموده میشود
این صفحه در زمام ثالث بیت که ابتدا به ودیع زمامهای باب کبیر که آن
بیت زوفست اول ان واقران جمع کرده میشود درین
زمام تکسیری که ثبت شده در کتاب بعلبکی سلیمان علیه السلام
قبةً شعبًا والزّاهبُ والحلباب وابتدا حروف زمامهای
کلام بابهای متصل هرگاه بزمام رسد در سلک بابهای منفصل بیت در زمام آ
مرکب ذ ثابت بر سبیل اختصار و این قاعده ابتدا حروف زمامهای
کلام ابواب منفصل که مقرون شده باشد با آخر و در زمام خارج و نظیره
واخذ کن اول حروف سلا از زمامهای ثبت شما که آن پانزده
حرفست دو داخل کن در اول منقلب واخذ کن از و لا چهار حرف
تا انکه چهارده حرف شود واضافه کن در اقران اعداد حروف خارج و نظیره را
تمام کن زمام را تا آخر باب بهمین دستور و بدان بدرستیکه ترکیب جمیع زمامها
مذکورست در کتاب کبیر و نقل نکنیم انها را درین کتاب از جهة انکه این ترکیب مشکلست

یا جبرائیل یا عزرائیل ... یا اسرافیل یا میکائیل [illegible]
یا ذا الجلال والاکرام یا محیط بکل شیء [illegible]
یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن [illegible]
یا اسمعیل بحق طلفقان ۳۲ یا مبدی الدنیا ومعیدها بعد فنائها
[illegible] یا مبدی اجب ۳۳ یا جلیل الحق العدل المبین
یا کاکیل یا جلیل اجب یا میکائیل یا روقیائیل یا دردائیل
بحق منطق ۳۴ عن کل شیء والصدق وعده

ومنوش ادنی بیان بکنیم رسم زمامها را وعدد زمامها را از درج مذکوره بحقیقتی
کراسان شود مرکب کون و منولدات مختلف حروف اوبرکسی که صاحب لطف و صاحب
باشد و این منقولست از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام در شرح
الله الاعظم و اسم اعظم اینست ... بسم الله ... در اسماء ملائکه اینست
طرقیا الملک الکریم المیططرون مهیال تحیقیال فوذائیل
رونیال کومیال شرطیل رائیل شهریل مرقوش رثیل رومیال
جهة عسر ولادة بنویسد بر دوالی ناف او و اسم حوار اهیابین واح جهة چهار
ربل بنویسد بانگشت عیسی ابن مریم موسی ابن عمران ع ع ع ع ع از جهة
خلاص محبوس و از جهة دفع خوف ۲۲۲۶ شرح کافیه منقول از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام و این جمله مشتمل بر شرحی که متضمن ابواب این کتابست بدان
بدرستیکه عدد حروف از ابواب کبیر بیست ونه کط وعدد حروف کب باب
منفصل کب حروف
وعدد حروف صغیر کب کب
حل حروف بدان بدرستی
که ابواب کبیر مؤلفست
از اب ت ث

حار	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	مجروره اومکسوره
بارد	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	مرفوعه اومضمومه
یابس	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	مجزومه اوموقوفه
رطب	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ	منصوبه اومفتوحه

تا آخر حروف که مذکور میشود در رقم واما ابواب الصغیر پس مؤلفست من اب الی قرشت

کلا ینطق الالسن بکل الاله ونتائه خاص بحق ... یا عجیب اجب یا امثائیل یا الوحائیل
اجب یا زود عاثیل یا عطرائیل ۳۸ یا قریب العجیب القابع
یا عجیب عند کل کربة ومجیبی عند کل دعوة ومنادی
یا غیاثی عند کل شدة ویا رجائی حین تنقطع حیلتی
عند کل شدة ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
۳۹ یا غیاثی یا غیاثی

ودر باب کیفیت امزجه بیت حرارة برودة
ا ه ط م ف ش ذ ب و ی ن ص ت ض
یبوسه رطوبة د ح ل
ج ز ک س ق ث ظ د ح ل ع ر خ غ
ب در شرح اسم الله
ا ه ط ب و ی ج ز ک
الاعظم ۱۱۱ه واین خارجست از قسمة الابواب ه اثرده برج
هر شب نه روز عدد الواب کبیر حروف در اسامی عدد حروف مقطعه
۱۷ ادذ رذ ولا ۱۷۷۳۷۶۵ ۸غرا ۴۰
عدد اسامی خارجند از عدد اسامی ان حروف اسامی شماره حروف
۳۸۳۳۲۸ ۸۴۹۲۵
خارج از قسمت الواب بر هر شب و روز بیت و باب و عدد الواب
متقل شل صغیرست عدد ساعات قمریه ۴۹۳ ۸ عدد ساعات
۸۹۷۹۵
سنه شمسیه عدد ساعات قمریه حروف مجوفه س ض ط ظ ف ق م ه
۶۶۶ ج
حروف عاریه ا ح د ر س ص ط ع ل م ه و ک لا حروف مکتبه ب ت ث ج خ
ذ ش ض ظ غ ق ی حروف منقوطه ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ی عدد نقطه بیت
ره نقطه است بر و کلا هر اسم از رنامها وغیره از اسما هرکاه عدد حروف
او از ازواج باشد ونیز از تولیه عود میکنند همان اسم بعینه همکی سلطانی
وقلب کرده شود ومنخرفه شود واصل بعد از انچه در انکست از زوج وهرکاه عدد
نقط برافراد باشد پس عدد میکنند ان اسم بعینه بعد از انکه رد کرده شود
بتقدیم وتاخیر مثال اینها در تقدیم وتاخیر در افراد هست

والابواب متصل این حروف در ان بیت وان بیت ا ذ د ذ و مثل این در باب صغیر
این حروف نیاید مگر یک حرف ث خ ذ ض ظ غ ومراد از زمامها ومراد
از درج درین کتاب حروف زمام است وجمع کردن زمامها از حروف واین منتقل
بر پنج قسم است بجهة انکه زمام تالیف شده از بیست و نه حروف بنا بر انچه مذکور است
از باب کبیر هرکاه مفرد باشد یا از بیست و حرف بنا بر انچه مذکور است در باب صغیر
یا از پنجاه و یک حرف هرکاه کبیر مؤلف باشد یا صغیر مؤلف باشد یا متصل هرکاه
هرکدام از اینها بیست و حرف باشد هرکاه منتظم باشد با حروف باب کبیر
که ان بیست و نه حرفست مجموع پنجاه و یک حرف میشود یا مؤلف از چهل چهار
حرف است هرکاه مرکب باشد صغیر یا متصل وبدان بدرستی که مراد از حروف
داخله حروف مکرر در زمام است ومراد از خارجه حرفیست هر در مثل در حروف
زمام نباشد ومراد از نظیره حرفیست که یافت شود در وسط از حروف زمام
حروف زمامی که زمام مرکب از انست وحروف همیشه چهار حرفست وخارجه نیز
چهار حرفست اما نظیره زیاد بر سه حرف نمی باشد در جمیع الابواب مشکله اما اسماء
ملائکه استخراج میشود از حروف داخله وخارجه ونظیره نام بدان بدرستی که حروف
داخله وخارجه ونظیره یافت نمیشود مگر در باب صغیر مجموع چهار حرفست شامل بر ده
باب بیست ج ه ص ر ه ز ف ش ذ م س ی ط ا م ف ه ا ل ا ع ل س ق ت م ز
س ر د ن ق ش خ ل ض ذ ن ف ق

اوكصيب من السماء فيه ظلمات ورعد
وبرق يجعلون اصابعهم في اذانهم
من الصواعق حذر الموت والله
محيط بالكافرين يكاد البرق يخطف
ابصارهم كلما اضاء لهم مشوا فيه
واذا اظلم عليهم قاموا ولو شاء الله
لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله
على كل شيء قدير

اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا الصراط فانى يبصرون

واین ایه را بر وی بخوانند پس بکشند در بوستان
یا در باغ یا در چاه ریزد از کثرت اشجار ان بوستان
وباغ واز نیر شاب مسرور کهف والنوع برکات
پدید اید باب جهة موی بلند کرده وسیاه شود
استه شفت لو سوزانند ودی ادن خوشبوی بیدجوم
با روغن زیتون حل کند وموی را باب کرم بشوید
و با لد بلند وسیاه شود باب جهة رفع دشمن

فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

ع ی ل ﮈ ے ض ی لا و ر ب ا ھ ما ز ع ی د س و د د م ۲ م ی ل ع

ج ث ب ا د م ۲ م ی ل ع اصل الحروف کتاب این از تا د م ۲ ۲

ی لا و ه و ن م ل ک ق ف غ ع ظ ط ض ص ش س ز ر ذ د خ ح ج

ع غ د ف ذ ق ا د ک خ ل ح م ج ن ث و ث ه ا لا ی زر دوف

ظ ط ض ص ش س ز ر ذ د خ ح ج ث ت ب ا ص ض ظ ش ظ س

ت ا لا ی سطر اول از کبیر ی لا و ه و ن م ل ک ق ف غ ع

ش ظ س ع غ د ف ذ ق د ک خ ل ح م ج ن ث و ث ه

ز و ع ت س ه ظ ب ش لا ط ا ص ی ض سطر ثانی ض خ

ی ح ض ذ سطر ثالث ک ح د ل ق ج ذ م ف ج د ن غ ث

ث غ ت ن س ه ج ظ ف ب م ش د لا ح ط ا ق ے ص د

ا س ل ن ص ت د غ ی ع خ ث ص و ک ذ سطر رابع ز و

ما ز س ؤ د ج د ح ت ث ب ا م ش ذ ب لا ظ ح ا ج ط ط ه ق

ش و خ ص لا ت ح س م ذ ک ض ی از کبیر اول صد زمام ی لا و ج

لعکس و دج مؤخر باب اول ب ث ذ ط ه ج د ف ع ق ظ ن ذ ع ل

ذ ذ ن س ش ص ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی

ث ه ت لا ب ی ا اول باب مؤخر دج ر دل او ب ت ث ج خ د

ث

۲ ث ظ خ س ق ج د ر ث ن ت ص ک و لا ی نو لد ذمام برولا

نیز بر تصویر از دوج دوس زمام ها برولا اینست ی الا ص و د اینت

زمام مؤخر صدو رباب اول ام الکتاب بعون الملک الوهاب بدان

دفقک الله که هر لوح عددی را که بنظم طبعی نگارند ابتدا از یک باشد و بر دیگر یکی

اضافه آن لوح را با تمام رسانند و خانه اول را مفتاح مانند و خانه آخر را

مغلاق و عدد این هر خانه را با هم جمع نموده عدل خوانند و عدد یک سطر تمام

از آن مربع را خواه طولی و خواه عرضی و خواه قطری وفق نامند و عددی که از

جمع بیوت آن مربع باشد مساحت لوح باشد و برین تقدیر لوح چهار

در چهار اول مربع با صد و صد دادامی که مختلف الاوقات نگاشته

باشد شرح عدل و وفق و مساحتش برین نهج که مذکور شد باید دانست که در

قوانین اعداد وفق قواعد بسیار است چنانکه بعضی از عاملان این علم شریف

گفته‌اند که مربع چهار در چهار را چهار هزار نوع بعنوان نگاشت دکار که مربع

چهار که عبارت از شانزده خانه معین باشد با نواع مختلفه غیر مکرر توان

نوشت تا صد و در صد که مجموع آن شش صد و بیست و پنج مربع چهار در چهار با تضعیف

چهار صد و لوح پنج در پنج باشد با جزا اینها نقوش عددان بسیار خواهد بود و اگر

بنظر فکر ملاحظه رود هر هزار و چهار و پنجاه وفق چهار در چهار از و مستخرج آید مادامی

که بنظم طبع معتدل الدور نگاشته باشد چون مذکور شد در قوانین رقوم عدد بسیارست
از آن جمله یک قاعده مسطورست میشود در صفت مربع چهار در چهار ده شانزده باشد
و شاید که از روی این قاعده کیفیت دو فقی و مساحت صد در صد بر عامل مستقطن
مبرهن گردد **تقریر** وصف یک لوح از این قرانه گنج : بجا آرم بر دکو هر پنج : چهار
در چهار را نمایم طرح : بدو هم وفق عدل او را شرح : تا بیابد از این معزز بیان :
عامل صاحب حساب عیان : که بهر لوح شانزده خانه : از ره قهرمان شانزده کاشانه
عدل او وفق رنجش چه بود : چند و چون بر ستنش چه بود : خانه اول نهایت آن
عدل خوانندش اهل علم عیان : این دو چون در عدد درست آید : غیر این وفق عدل
چیست آید رقم چهار خانه را باسم : وفق خوانند عاملان رقم : در جدول و عرض (؟)
مسطر هر چهار خانه باهم رام **صفت حروف ابجد** از برای وداد جب فتوح : بد بنظرهست چار حرف بدوح
چار حرف از یک تا چهار : ده بر دو مجموعش بعدد شمار : جمله چهار حرف باشد بیت :
جمع این را دگر بیار در جهت : آن ده و این دریت با ده تیز : چون کنی جمع از قرار نیز
این عدد باشد از برای وداد : بهر شخصی در کمال سداد : رقم حرفش بیان سازم
وفق ترتیب آن بیان سازم : وضع شکلش از قرار دهند : در جایم حرف بالکار نهند
در چهارم نهند صورت دال : ششمش واو را دهند مجال : هشتمش حرف ها رانند بعد
هم برکز نهند بار رصد : باشد این جمع در کمال سر در : راست بر مجمع حروف ظهور :

بنام طریقی بکند و سه اسم نگاه هم از این کنوز طلسم **بیان وفق اسم اعظم** که از حروف ها بطریق
بسط و تکسیر اسم جامع حالت و اسم الله که جامع جمیع اسمائست با اسم حبیب و اسم
ودود و شروحها در رقم بر صاحب عمل نوشته و بنمود الواح سه گانه در لوح جمع
و لوح طرحها و لوح عدد در تحت اینست بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله ح
و صحبه و سلم **باب** در بیان دعوة و خدمت فرمودن بروس اربعه چنانکه فرموده
شیخ حسان رضی الله عنه که بدان ای برادر توفیق ده خدای تعالی مرا و ترا بدرستی
که لازمست بر صاحب عقل آنکه اظهار نکند شرح این دعوت را با همه کس مگر با
اهل بیان مرموز و دانسته باشد که هر علمی مربوطست بفلکی و این دعوة بغیر فلکست
و محتاج بچیزی نیست هرگاه خواهی استخدام روس اربعه را اول روز روزه بگیر و در مدت
هفت روز در خلوة و بنویس دعوة مذکور را در ظرف نوی که از جام زجاجی
باشد و افطار کن به این دعوة شامیدان هر روز آنکه محو کرده باشی اورا به آب
و بخوان دعوة را و ملازمت کن در اول مرة و صحن آن در خلوت هفت
روز روزه داشتن بشرطها یافت و خدمت کول و بخوان دعوة را و سوره
و محو کن اورا بگلاب و زعفران و بخور تبتی و چیزها را و این دعوة تصرف بکند
در پنج باب از خیر و شر لکن وصیت میکنم ترا که هیچ عمل نکنی تا آنکه بنویسی اورا
در ظرفی با سوره قدر و سوره فاتحه و سوره اخلاص و اورا بیاشامی تا هفت روز

پس بر آن در عمل خواهی کنی تعریف اول هرگاه اراده کنی سوال از حاضر کنی
که رد میشود یا نه یا انکه سوال از بنده و دیگر که کوهست و یا انکه سوال از زن یا بشد که تا
کارست یا نه و یا انکه سوال از امور غیبات بشد و همچنین اگر محتاج بسوی صنعتی باشی
و آن صنعت بزرگ باشد و مشکل باشد بر تو و خواهی که آسان شود بر تو و سر آن ظاهر
شود بر تو پس بنویس در ورقه آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ
وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ
فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
تکرار کن این آیه را بیست مرتبه و همچنین آیه وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ابرق نور الله فانجلت
الظلمات هَٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ اجيبوا يا خدام هذه الايات والاسماء وارونی من
يتمثل على صفات فلان بن فلان ويفعل ما هو فاعل من غيوبه
والاشكال اكشفوا الحجاب ما نغطى ولا تستروا على من امره
شيئا وافعلوا ما هو فاعل في جميع شهره هذا من قول او فعل
واثبتونی عليه حتى افهمه بحق هذه الايات واسرارها
ومن الاضمارات وها انا اصف لك التدبير وصفا

باب

هذا دعا عقد لسان خصمان بعد گویان هر که
بخواند زبان جمیع دشمنان بروی بسته گردد
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الملک الحق المبین الا الی الله تصیر
الامور بحق سلیمان النبی علیه السلم

پس هرگاه خواهی عملی کنی چیزی از این عملها بنویس ضمیر خود را در ورقه و بخور کند بر بالای
که ذکر میشود و بخوان دعوة را هفت مرتبه و ضمیر را هشتاد و پنج مرتبه و آن را و بخوان بعد از این
عزیمت را و او را در زیر سر خود بگذارد و با وضو و طهارت باش و بخواب بر جای
که طاهر باشد پس تحقیق او صاحب شرف در خواب خواهی دید و ظاهر میشود در خواب
بر تو هر چیز خواهی است و ... و همچنین هر گاه خواهی که بدانی آنچه در باطن شخص باشد
یا انکه در نفس او صفت غریبه باشد و از تو پوشیده دارد و خواهی سر او بر تو کشف
کند بسبب این دعوة و عزیمت ظاهر شود شخص بصورت او و ترا تعلیم دهد
و کسی که چیزی از او دزدیده باشد بنویسد چهار را و عزیمت را در ورقه و بخواند
و عزیمت را هشت مرتبه و چهار را اگر نویسد هفت مرتبه و بخور کند او را بخور
نزد اول عزیمه و در وسط عزیمه و در آخر عزیمه و عمل کن آنچه ذکر شد از برای تو
در اول مرتبه در ایجاب او و بدرستی که ثابت شود از برای تو جمیع آنها
در خواب و اخبار هست که باید نوشت یا خدام هذه الاسماء
ارونی من يتخيل على صفات من سرق متاع فلان ابن فلان
ان كان واحدا او جماعة ذكرا كان او انثى فاروني من
وثبتونی عليه واراه بنویسد حب را و سر و قرار در ورقه و او را
در زیر سر خود گذارد و شرط کتابت بزعفران و گلاب باشد و بخور کند عود و جاوی و مصطکی

يا حي يا قيوم اللهم رب موسى
وهرون ورب عيسى وابراهيم
ويا رب محمد وال محمد صلى الله عليه
اللهم اكرمني بالفهم والحفظ وكرمني
بالخير وارزقني العلم والحكمة يا
قاضي الحاجات اقض حاجتي
باعمال الخيرات انك سميع مجيب الدعوات
اللهم اخرجني من ظلمات الوهم واكرمنا
بنور الفهم اللهم انفعنا بما علمتنا
وعلمنا بما ينفعنا رب زدني علما انك
على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله نافع

در بیان خواص سوره مبارکه فاتحة الکتاب
این سوره مبارکه را فواید بسیار است اول انکه اگر
خواهی دیگری را مطیع خود سازی بسیار نافعست باید
داینما سوره مبارکه را بخوان و چون سوره مبارکه را
تمام کند اسم شخص را باسم خود بزبان راند و همچنین
با وضو رو بقبله نشسته صلوات بفرستد و هفت مرتبه

این سوره مبارکه را ... بر کلوخ خوانند و آن کلوخ را
در ... آب اندازند تا از هم بپاشد
آن دشمن هلاک شود بعون الله تعالی و اگر کسی
منقی ... نباشد و اگر کسی این فعل کند در اندک
از دین تباه شود یا به بلای عظیم گرفتار شود علاج بر ... دو ...
اگر ... در وقت خواندن باید که ...
بخواند و ... کند و پشت بقبله بنشیند و اگر ... باشد
باشد بهتر ... الف زعفران که ...

و حجاب لباس از جمیع اعمال مذکوره و شرط دیگر آنکه رخت تمام سفید باشد و دیگر آنکه تنها باشد
و احتراز کن از خوردن چیزهای که از صاحب روح بهم رسیده باشد و دیگر آنکه رخت
او از ابریشم و موی و کرک صاحب روح نباشد مثل صوف و شال وغیره و در
حوالی خود مندل بکشد از دقیق شعیر و در اندرون دایره آیة الکرسی بنویسد
پس بتحقیق هر چه خواهی دید آنچه اراده کرده ... تو و بشرط آنکه کتابت زعفران
... و بر تو حاضر بسازند و دیگر ... داد و تو را خالص و گلاب خالص باشد و اگر خواهی بدانی غایب زنده یا مرده است
... واحوال او را بپرسد آنکه خواسته باشی جلب او را پس بدرستی که آدمی آید
و صورت ... نزد تو هرگاه خواسته باشی دیگر آنکه نوشتن ... در همان شب باشد
... و بر آن گلاب ... و در روی ... را بان بشوید
... که عمل بکند و اگر خواهی بدانی که حاجت روا بشود از نکاح کردن زوج
... یا از نزد حاکم بنویس دعوت را بگلاب و بفرماید آن دعوة این خبر را
... بسم الله الرحمن الرحیم والله المستعان علی ما تصفون ... یا خدام هذه الاسماء ارزقونی خیر هذا ومودته وتلقون
... محبتی فی قلبه یا ایها الذین آمنوا لا تکونوا کالذین آذوا موسی
فبرّاه الله مما قالوا وکان عند الله وجیها اسمع
وجهنی عنده واصرف عنی مکروه واجعله
علی شفیقا ولحاجتی قاضیا و بهن گردان
نقط را بعد از بخور و بگردان او را در موضع خود در مکانی
بلند

لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله	لا اله الا الله موسی کلیم الله
لا اله الا الله عیسی روح الله	لا اله الا الله محمد رسول الله

پس هرگاه خواهی عمل کنی چیزی از ... بنویس ... را در ورقه و بگذار بر بار
که دیگر نشود باذن خدای تعالی التعریف الرابع هرگاه بنویسی اسماء رؤس اربعه را در کف
معاب پس بدرستی که او خلاص میشود از هر قبیله باشد و دفن خواهد شد و اگر خواهی
و اگر خواهی او را بکشی پس بگیر چوب انار و بنویس رؤس اربعه را و بزن او را
در زیر رخت انار بتحقیق که او مضروب و معذب میشود و اگر خواهی بنویس اربعه را
بشیر اجب یا مازر واموا یا قسورة وتوکل یا طیکل واخدم
یا کمطم وتوکلوا بضرب هذا العارض فراغ علیهم ضربا
بالیمین واذا الموت الغریمة علی المصاب فائق العارض
بحق وان اردت سجنه در شیشه بنویس رؤس اربعه در اطراف
خرقه سفید و بگذار شیشه را در میان آن خرقه و بخوان آن دعوة را تا آنکه
همی در میان شیشه و بخور کن علیل و سر شیشه را بموم مهر کند و او را دفن در موضعی
که خالی باشد پس بدرستی که او بیرون نیاید از میان شیشه تا وقتی که شکسته
شود و اگر بنویسی دعوة را در ظرف و بپاشی به آب آن بر روی کسی که تب
داشته شفا یابد بفرمان خدای تعالی و اگر بخوانی دعوة را بر صاحب صیت
و او مصروع باشد پس بتحقیق برطرف میشود صرع او و اطاعت میکند در هر چه
که او را امر کنی انشاء الله تعالی التعریف الخامس هرگاه کسی را تب باشد

و بر روز جمعه زحل شروع کند کرد پس بنویس اسم روس اربعه را در کف
دست راست او و بخور کنی و دعوة را بر او بخوان و بگو تا دست خود را بلید
پیش از آنکه او را در شیشه کند و اگر بنویسی دعوت را در ظرف باسم مفقود
خواه دور باشد خواه نزدیک با آنکه بخوانی آنچه می نویسی هفت مرتبه وقت
غروب آفتاب و هفت مرتبه وقت طلوع آفتاب و محو کند با آب و بخور دهد کسی
که او را بسته باشند بدرستی که او را از دو وا میشود بفرمان خدای تعالی التقریف السادس
هر گاه که کنج یا قفه یا غیر آن منع کنند را در دست داشته باشد پس بخوان دعوة را بدرستی
که مانع بر طرف میشود پس از اتمام شدن دعوة احتیاج به بخور
ندارد التقریف السابع هر گاه خواهی باطل کنی عمل شخصی را یا علاج
او را با آنکه حکم میخواند که بر ضرر پس بخوان دعوة را با اسمها و گذشته را سه
مرتبه و بگو ابطلوا یا خدام هذه الاسماء فلان بن فلان عن عمله
او علاجه و بخوان دعوة را بر خاک خانه مورچه سرخ پس تحقیق بر سد
با و آنچه در خاطر داری پیش از هفت روز و بدان بدرستی که این دعوة
مشتمل بر هشت و پنج باب ولیکن هیچکدام العمل نمی آید مگر به بخور و صفت خاتم
اول عمل و وسط عمل و آخر عمل و صفت خاتم اینست که معوذه میشود اللهم
یا مطلب بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد رسول الله

اب

رب العالمین الی من طرق الدار من العمار و الزوار
الا طارق یطرق بخیر اما بعد فان النار ولکم فی الحق
سعة فان تک عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما فهذا
کتاب الله ینطق علینا وعلیکم بالحق انا کنا نستنسخ
ما کنتم تعملون و رسلنا یکتبون ما تمکرون اترکوا صاحب
کتابی هذا وانطلقوا الی عبدة الاصنام والی من یزعم
ان مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه
له الحکم والیه ترجعون حم لا ینصرون حمعسق تفرق
اعداء الله و بلغت حجة الله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم برحمتک یا ارحم
الراحمین در کتاب دعوات میر محمد باقر داماد در روایت دیگر این
نوزده کلمه را بخواند و یا با خود دارد از جمیع بلیات فرج یابد و از جمیع غمها و الم‌ها
و محنتها و از خوف پادشاهان و از شر شیطان از شر ساحران در حفظ حق خدای تعالی
باشد و اسم اعظم بسم الله الرحمن الرحیم یا عماد من لا عماد له یا ذخر
من لا ذخر له یا سند من لا سند له یا غیاث من لا غیاث
له یا حرز من لا حرز له یا کریم العفو یا حسن التجاوز یا عظیم ح

الوَجا يا مُنقِذَ الغرقِ يا مُنجي الهلكى يا مُحسِنُ يا مُنعِمُ يا مُفضِلُ
اَنْتَ الّذِي سَجَدَ لكَ سَوادُ اللّيلِ وَبياضُ النّهارِ وضوءُ
القمرِ وشُعاعُ الشّمسِ ودوِيّ الماءِ الشّجرِ يا اللهُ يا اللهُ يا
الله لا شريكَ لكَ يا ربّ برحمتكَ يا ارحمَ الرّاحمينَ
ح باب اگر خواهی که زن را بر خود شیفته کنی این اسم بنویس بمشک و زعفران
و بر بازوی بندد عجایب بینی وانّهُ مِن سُليمانَ وَإنّهُ بسم الله
الرّحمن الرّحيم ومِنْ سُليمانَ ابنِ داودَ الى الثّقلينِ
الجنّ والانسِ والشّياطينِ بالرصلّى الله العاظم وبا
سماءِ الذاكرونَ بفره الى ادعوكم اليهِ ان تبصران و
تجيلها ان لا تمسّهما ولا تأخذها نومٌ ولا قرارٌ ولا
سكونٌ حتّى فلان بن فلان يحبّونهم كحبّ اللهِ والّذين آمنوا
اشدّ حبًّا للهِ لو انفقتَ ما في الارضِ جميعًا بين مودّةً
ورحمةً اللّهمّ الّفْ بينَ قلوبهم فلان بن فلان كما الّفتَ بينَ
قلوبهم ولكنّ اللهَ الّفَ قلوبهم فلان بن فلان كما الّفتَ بينَ
محمّدٍ صلّى الله عليه وآله وبينَ عليّ بنِ ابي طالب عليه السّلم
والّفْ بينهما يا هيّا شراهيّا ادوني اصباوث الـ

شدی

شدی قدّوس قدّوس قدّوس قدّوس قدّوس
اه اه اه اه عجّلوا عجّلوا اهيّا شراهيّا بسم الله الرّحمن الرّحيم
بسم الله وبالله ولا قوّة الّا بالله العليّ العظيم اللّهمّ الّف
بين قلوبكما الّف بين يوسف وزليخا وباسماء الله العاظم
وبآيات الزّاكيات وبالكبرياء سرسرسر ولوث توريت
والانجيل والزّبور والفرقان العظيم وصلّى الله على محمّدٍ
وآله اجمعين باب اگر خواهی که زن را مسخّر خود سازی که از آتش بنالد
بنویس بمشک و زعفران در روز یکشنبه واین تعویذ را در بازو ببندد یا در آتش
کند نیت الحمد لله بنام آنکس که میخواهی بنام فلان بن فلان علی حبّ فلان
السّاعة السّاعة السّاعة بالحقّ انزلناه وبالحقّ نزل اهيّا
شراهيّا ادوني اصباوث الشّدهي اشدهي انته والحدّ والزّمان
بحقّ المسيح عليّ ابن مريم عليه السّلم مبارك وغير المير بسم الله
الرّحمن الرّحيم بسم خواب فلان بن فلان بهر و دوستی فلان بن فلان رب العا
لمين بسم روی فلان بن فلان بهر و دوستی الرّحمن الرّحيم بسم گوش فلان بهر و دو
فلان بن فلان مالك يوم الدّين ايّاك نعبد وايّاك نستعين بسم
هفت اندام فلان بن فلان بهر دوستی ۲ اهدنا الصّراط المستقيم صراط

الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم   در دعوة حروف کیفیت
عمل بدانکه اصل این حروف در احدیت چه بود و با عیان ثلثه چه صورت
داشت و در ملکوت چه شد و در ملک چه قرار داشت بدانکه در ایجاد
شئون و اعیان ثابته صورت الٰهی و در ملکوت وجود ملک
و در ملک صورت حرف پیدا شت کانه در معنی ماهیت پیدا شد و
ملک بعده حق سبحانه و تعالی حروف را با تمام اعضای آدم تقسیم نمود حروف
مثلث بهات مفردات بدین طریق که راس الف است و دو حاجب ب و ق
و دو چشم ع غ و دو رخ ج ا و دو گوش د ذ و لب فوق ت معکوس
و لب تحت او ب و گلو ح و صدر او میم و حروف مثلث بهات
اسم و قلب او ه و که هو اسم اعظم است و ناف او ل و دو
کتف او د ذ و دو دست او ل ی و حروف مثلث بهات وی
طس و یس و وسط وی ح ح و حروف مثلث بهات المص
و طه و قفیت او ث سر کرن و دو زانوی او ص ص و دو پای
او ط ظ پس هر حرفی ازین حروف یک اسم اعظم است از اسماء الله تعالی
که بدان حروف تعلق دارد و هر که تسخیر آن اسم مشغول بعد از دعوت آن

مطلوبه

مطلوبه و سر حروف او سر حروف اسم اعظم است یک باشد برسد و قواعدش چنانست
که اسم اعظم مثلا الله و حروف الف و عدد او شصت و شش و ترجمه او
خدای و نیز او پرستش او میکائیل و اسرافیل و خادم او قیدیوش و برج او حمل
و کوکب زحل و منزل شرطین و نتاج حب و بغض و بخورات او عود و لادن
و طبیعت حار و جمله حروف پیدا شد کانه چنین چنانکه بجدول بطورات
و عمل در آن وقت کند که قمر در منزل حروف مقصود آید و کوکب حرف
در مقصد حرف او لا تسخیر حروف بکند و بعد از آن به دعوتش در آید
که گفته اند هر که تسخیر این نکند عملش منقلب گردد و چون این قواعد را
رعایت کند مقاصد کلیه و جزئیه وی بوجه احسن حصل گشته و چون جمیع
حروفات ۲۸ تسخیر سازد با موکلان ملکی و جنی بباید ۲۸ شبانه روز تسخیر
این حروف مداومت به دعوت کند و در مدت با یک کس که جز خادم تکلم نه
اکل و شرب نکند و در خانه خالی پاکیزه لباس کرده بنشیند بعده خواندن
این عزیمت تسخیر حروف شروع نماید هر روز ۲۱۴ بار بخواند و هر روز اگر یک عدد
افزون بخواند اربار به عزیمت شروع نماید بخور تازه کند تا باتمام رسیدن
این مجموع حروف با ملک و جن و انس مسخر صاحب دعوة گویند و آن ملک
موکل است بر اعمال علم جفر و نیرنجات و روحانیات و از اعمال غریبه و دعوتیه

و نتیجه دیگر از قبیل محبت و دعوت بدیع العجایب و حب که موکل بر اعمال
بقبضات قطعیات قلعیات عداوت و عقد اللسان و عقد النوم و عقد
الرجل و سموم قاتل و قهر به و هلاکیه و هر چه که صاحب دعوه اراده داشته باشد
بجا آورد و بلا شبهه بحکم قادر مطلق و اگر کسی هر روز در وقت خروس زده بعد از نماز صبح
صد و یازده بار و بعد از نماز پیشین سی بار و بعد از نماز دیگر سه بار باداب
مواظبت نماید ابواب مقاصد روی دهد و اگر خواهند که عمل هر حروف
از حروف مفرده بدست آرد و بعضی یک حرف را با موکل و جن وی نتیجه خود دارد
از این حروف ۲۸ گانه هر حرف را که مطلب او است نشان کند در صد وان معلوم کند
۲ و منازل و نتیجه و طبیعت دیگر در قلبی و در جای است و ازین بعضی ازو چند ۲ که حروف را اعداد او درهم ونک رنجش اربع کوکب
و بعضی افراد اند و بعضی نورانی و بعضی ظلمانی سریعة البطون و بعضی بطیئة البطون
و بعضی البطون و نتایج این حروف بسیار است که در شرح نیاید و مقرر است
که بمواظبت این علم حروف بشرایط قادر توان بود بر امور دنیوی و اکشف
قلوب و صفای باطن و اطلاع بر غیبات و مراتب کرامات و کشایش
رزق و تحصیل علم و مال و کمال و جذب و تسخیر جن و انس و ملایکه و کواکب
و تفرقه در رجال اله و عقد النوم و عدم البصر و در شب تار دیدن وجوه
روز و روشن و تعیین موت و حیات و زنان و کیفیت مدت حیات

ایشان

ایشان هم وابسته بعلم حروف است و اگر کسی این علم جفر وغیره خواهد باید
که هر روز باین عزیمت بعقد مکان مشغول نماید و عزیمت جمیع حروف با
موکلات و جمیع اینست با جمیع ۲۸ تمام بخوانند و یک موکل حرف بر موکل سماع
ختم کرده مطلوب شده تا از عزیمت اثر بیشتر یابند والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم
اِلٰهی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ اَسْمائِکَ الحُسْنٰی وَصِفاتِکَ العُلْیا
وَبِحَقِّ اَنْبیائِکَ المُرْسَلینَ وَمَلائِکَتِکَ المُقَرَّبینَ وَ
بِحَقِّ خَصائِصِ هٰذِهِ الحُروفِ الطّاهِراتِ المُبارَکاتِ
وَبُنْیانِها وَبَرَکاتِها وَخاصِیَّتِها وَاَسْرارِها وَتَوابِعِها
وَبِحَقِّ اَسْمائِکَ العَظیمِ الَّذی اِذا دُعیتَ بِهِ بِحَقٍّ حَقٍّ
عَلَیْکَ اَنْ لا تُخَیِّبَ سائِلَهُ وَبِحَقِّ حَبیبِکَ الَّذی وَصَلَ
اِلیٰ نِهایَةِ المُرادِ اَنْ تُسَخِّرَ لی اَرْواحَ المَلائِکَةِ وَالجِنِّ
وَالاِنْسِ وَاَنْ تَقْضِیَ حاجَتی وَتُبَلِّغَنی مَطْلوبی
بِرَحْمَتِکَ یا هُوَ یا مَنْ هُوَ یا لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ یا مَنْ
یَمْحُ اللهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الکِتابِ اُقْسِمُ
عَلَیْکُمْ یا مَعْشَرَ الرّوحانِیّینَ التّابِعینَ بِهٰذِهِ الاَسْماءِ
وَالخُدّامِ لِهٰذِهِ الحُروفِ هَیْشَمهیا لِ هشنوش کبرش

انت القوي الشديد هاهورش ميج هيهورش مكتوهيغ
سيهكطش طظموخ بعظمة طلطوخ يا نورشمسما ضخمشط
طمخليا طخ فطر السموات والارض كهشفيا لطلمخطا
يكلكموثيا هلغ اليغ ياهلومها وه سغوص تدكدكت الجبال
بعظمة اسمائه اهوه يهوه بحق هذه القسم الذي طا
عته على كل روح وروحاني وجسماني سحر والى خلائق
الارض والسموات اسرعوا وانفذوا واجلبوا تهيج
خلق الاول والاخر والظاهر والباطن بحق العهد
المأخوذ عليكم من الانفاد فيما امركم به بعزة العزيز
اوفوا بعهد اذا عاهدتم الله فلا تنقضوا الايمان بعد
توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا يا خدام هذه
الاسماء من ربكم بحق الذي ليس كمثله شيء وهو السميع
العليم اللهم اني اسئلك بالحق اسمائك يا الله
٣ بحرمة الالف الهيبتك اسئلك اقسم عليك اسرافيل
٣ بحق الله العظيم ان تقضي حاجتي وبحق سيدك
وامبراك العظيم قيذيوش ٣ ب يا باقي ٣ بحرمة

الباء

الباء بدايتك اسئلك اقسم عليك يا جبرائيل ٣ بحق الباقي
البقاء ان تقضي حاجتي بحق سيدك وامبراك العظيم زيوش
٣ ج يا جامع ٣ بحرمة الجيم جلالتك اسئلك اقسم عليك
يا كلكائيل ٣ بحق جامع الجمع ان تقضي حاجتي بحق سيدك
وامبراك العظيم نونوش ٣ د يا ديان بحرمة الدال
دليلك اسئلك اقسم عليك يا دردائيل بحق الديان
العباد ان تقضي حاجتي بحق سيدك وامبراك العظيم لجيوش
٣ ه يا هادي ٣ بحرمة الهاء هدايتك اسئلك اقسم
عليك يا دورائيل بحق هادي الخلائق ان تقضي حاجتي
بحق سيدك وامبراك العظيم بيوش ٣ يا ولي ٣ بحرمة
الواو ولايتك اسئلك اقسم عليك يا رفقائيل ٣ بحق
الولاية ان تقضي حاجتي بحق سيدك بحق سيدك وامبراك
العظيم بوبوش ز يا زكي ٣ بحرمة الزاء زاكيتك اسئلك
اقسم عليك يا ترفائيل بحق زاكي الطاهر ان تقضي
حاجتي بحق سيدك وامبراك العظيم يكبوش ٣ ح
يا حي ٣ بحرمة الحاء حياتك اسئلك اقسم عليك

يا تنكفيل بحق الحقيقة ان تقضي حاجتي وبحق سيدك واميرك
العظيم يحيوش ٣ ط يا طاهر ٣ بحرمة الطاء طهورك
اسئلك اقسم عليك يا اسماعيل ٣ بحق الطاهر الطاهرات
ان تقضي حاجتي بحق سيدك واميرك العظيم بذيوش
٣ ي يا يسر ٣ بحرمة الياء يسرك اسئلك اقسم عليك يا
سراكيطائيل بحق اليسر اليسر ان تقضي حاجتي وبحق سيدك
واميرك العظيم بهبوش ٣ ك يا كافي ٣ بحرمة الكاف
كفايتك اسئلك اقسم عليك يا حروزائيل بحق الكافي
الموسع ان تقضي حاجتي بحق سيدك واميرك العظيم
قذبوش ل ٣ يا لطيف ٣ بحرمة اللام لطفك اسئلك
اقسم عليك يا لطائيل ٣ بحق اللطيف الالطف ان
تقضي حاجتي بحق سيدك واميرك العظيم عذيوش ٣ م
يا ملك ٣ بحرمة الميم الملكوتك اسئلك اقسم عليك
يا دونائيل ٣ بحق ملك الممالك ان تقضي حاجتي بحق
سيدك واميرك العظيم صحبوش ٣ ن يا نور ٣ بحرمة
النور نورانيتك اسئلك اقسم عليك يا حولائيل

٣بحرم

٣ بحق نور الانوار ان تقضي حاجتي بحق سيدك
واميرك العظيم قطيوش ٣ س يا سميع ٣ بحرمة
السين سمعيتك اسئلك اقسم عليك يا هواكيل ٣
بحق سميع النداء ان تقضي حاجتي بحق سيدك
واميرك العظيم قلجيوش ٣ ع يا علي ٣ بحرمة عين
علوك اسئلك اقسم عليك يا لومائيل بحق الاعلى
ان تقضي حاجتي بحق سيدك واميرك العظيم قمجيوش
٣ ف يا فتاح ٣ بحرمة الفاء فتحك اسئلك اقسم
عليك يا سرحمائيل بحرمة فتاح المفتاح ان تقضي
حاجتي بحق سيدك واميرك العظيم فهيوش ٣ ص
يا صمد ٣ بحرمة الصاد صمديتك اسئلك اقسم عليك
يا اهجمائيل ٣ بحق بلا شبه ان تقضي حاجتي بحق
سيدك واميرك العظيم صحيوش ٣ ق يا قادر
٣ بحرمة القاف قدرتك اسئلك اقسم عليك
يا عطرائيل ٣ بحق القادر القدير ان تقضي حاجتي
بحق سيدك واميرك العظيم قفذيوش ٣ ر يا رب

٣ بحرمة راء ربوبيتك اسئلك اقسم عليك يا اموا كيل ٣
بحق رب الارباب ان تقضي حاجتي بحق سيدك
وامرك العظيم دهبوش ٣ ش يا شفيع ٣ بحرمة
شين شفاعتك اسئلك اقسم عليك يا همرائيل بحق
الشفيع المشفع ان تقضي حاجتي بحق سيدك وامرك
العظيم شجبوش ٣ ت يا تواب بحرمة التاء
توبتك اسئلك اقسم عليك يا عزرائيل ٣ بحق
التواب التام ان تقضي حاجتي بحق سيدك وا
مرك العظيم يا تهبوش ٣ ث يا ثابت بحرمة
الثاء بثوتك اسئلك اقسم عليك يا ميكائيل ٣
بحق ثابت الثبات ان تقضي حاجتي بحق سيدك
وامرك العظيم شهيوش ٣ خ يا خالق ٣ بحرمة
الخاء خلقك اسئلك اقسم عليك يا مهكائيل ٣
بحق خالق الخلائق ان تقضي حاجتي بحق سيدك
وامرك العظيم دلايوش ٣ ذ يا ذاكر ٣ بحرمة
الذال ذكرك اسئلك اقسم عليك يا اسرافيل

بحق

بحق الذاكر الذكار ان تقضي حاجتي بحق سيدك وامرك
العظيم دلديوش ٣ ض يا ضار ٣ بحرمة الضاد ضررك
اسئلك اقسم عليك يا عطكائيل بحق الضار الضرار
ان تقضي حاجتي بحق سيدك وامرك العظيم ضجبوش
٣ ظ يا ظاهر بحرمة الظاء ظهورك اسئلك اقسم
عليك يا لوزائيل ٣ بحق الظاهر المظاهر ان تقضي
حاجتي بحق سيدك وامرك العظيم ظهبوش ٣ غ
يا غني ٣ بحرمة غين غنائك اسئلك اقسم عليك
يا لوخائيل بحق الغني المغني ان تقضي حاجتي بحق
سيدك وامرك العظيم غجيوش ٣ ان تسخر والي
خلائق الارض والسموات وما فيهما وان تجمعوا
بيني وبينهما واحضروا لكلها انه من سليمان
وانه بسم الله الرحمن الرحيم ان لا تعلوا علي
واتوني مسلمين يا ارواح الطيبين الطاهرين
المسخرين لهذه الحروف وهيجوا مظاهر الجن
والانس وغيرهم وامروا الي مكاني وتعينوني

وتنصروني في تحصيل مرادي وتوكلوا على جلب جميع المحبوب
والمقصود والنفع والرزق والخير والبركة وادفعوا
عني جميع المضار بحق هذه الاسماء المباركة المقدسة
بحق هذه الاسماء المباركة اوله ال واخره ال العجل
٣ الوحا ٣ الساعة ٣ بارك الله لنا ولكم انه رؤف
رحيم والحمد لله رب العالمين ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين امين امين
امين صفت قسم اسم ميططرون فاجب است در حاضر شدن اجنه
تو هر کس را که خواهی باشی از پادشاه وغیره و این اسم لسیار نافع است
ومطیع کرداینده بسم الله الرحمن الرحيم الحي القيوم
العظيم اقسمت عليكم ايتها الارواح الروحانية
الطاهرة الزاكية الصاعدون في اعلى الافلاك
المتفضلون على كثير من الاملاك اصحاب الانوار
المختطفة بالابصار سالتكم بالذي خلقكم من
جوهر نور عرشه العظيم وجعلكم متصرفين في
خلقه على ما سبق في علم غيبه وارادته وحسن

قضا

قضائه الا ما اجبتم الى ما دعوتكم اليه وحضروا الى
مقامي هذا وتفعلوا كذا كذا بحق الرب القديم
القائم الدائم العظيم الاعلى معلل العلل وازلي الازل
اصباوت اله قدوس حبوخ حيوخ سبوح اضاءت
السموات والارض من نوره فعال العجائب
الصمد المهيمن البديع الرفيع المدبر الرحمن الرحيم
الله العظيم الاعظم الا ما اجبتم واطعتم الطاعة
لله ولاسمائه واسرعتم في قضاء حاجتي بحق ما
يحيط به عز عز الله بلا اله الا الله باصعى كعي ممبال
يا ال ابل ذر يا ال ال يا شمهيخ يا شهطيخ طيهموثا
طيهموثا مهيوث ويا عططهكه تقفوت يا
شلشل صبوت بهوت احوفوا السرطابيين لله رب
العالمين اسرعوا صبوت يا عططظله يقفوت يا
شلشله اصباوت بسم الله بدات بسم الله استعنت
بسم الله وعليه توكلت اجيبوا داعي الله باسمه
صيغوب بصيغوب شيغوب شغوب ازلي دائم

اول آخر ظاهر باطن احد صمد ازلی الازل اصباوت
صمدا احدا اهیة برهوثا بروخ باروخ تتقیرش
تتقیرش اله قدوش اهیة شراهیة باروخ مجلیثا
مجلیثا مرکشوثا شکلی یالایهوثا بیروخ شروخ
شدوش شدوش سبدیخ شا یدع الیم تجلی ما میطرون
نعرت ما سمعت وعلمت احضر ومن معك وخدامك
دغبائیل وجهبائیل وافعلوا کذا کذا هیا یا میطرون
بحق الاسماء المکتوبة علی تاجك اجب واحضر بحق
محمد رسول الله وشفاعته وبحق العرش وحملته
والکرسی ووسعته وبحق القاهر فوق عباده قسمت
علیك انت وخدامك بسم الله الذی احتجب
به الرب جل جلاله فی سماء الغیوب فلا عین
تراه اجب یا میطرون انت وخدامك بحق اسم الله
العظیم الاعظم الذی یحیی به الموتی یحیی العظام
وهی رمیم هو الذی لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله

عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الا
سماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم العجل امو بقضاء حاجتی الساعة
کذا کذا بدان بدرستی و هر گاه خواسته باشی که حاضر از پادشاهان
روی زمین را بخواسته باشی حاضر بعث پادشاه روی زمین را
پس بگو اهبطوا الی الملوك الارضیة وائتونی بهم
مسرعین لله رب العالمین الطاعة واگر خواسته
باشی حاضر پادشاه ال و امیران پس بگو ائتونی بفلان بن فلان
بعد از ان بگو بسم الله اجیبوا واسرعوا واهبطوا
الی الملوك الارضیة وائتونی بهم مسرعین
واگر طلب حاضر کنیز باشد ائتونی به العجل الساعة
وانتقموا الی منهم واگر طلب کشتن شخصی باشد منه بگوید اگر بگوید
نقمة عاجلة حتی یأتونی واگر کی باشد یاتینی بگوید
طوعا او کرها سامعین مطیعین لله وللاسماء
العظام من المردة والجن والشیاطین والعفاریت
المتمردین احرقوا بالنار والشرار بحق الله الملك

الجبار القهار يا ميططرون بالقدرة التي هي لك
خاصة دبك كن من ورآئهم بالمرصاد فاقسم عليك
بالاسم الذي المكرم المقدس المعظم اسم الله الكبير
العظيم الاعظم اجب يا ميططرون انت وخدامك
واهل خدا من طاعتك العجل الساعة وافعلوا
كذا كذا باشمخ شماخ مليخ هليخ عليخا اذوناى
اصباوت ال شداى عزر حيثا خنيثا هو الرب
النور الاعلى اجيبوا بالاسم الذي لو تكلم به ملك
الزيح لاساقطت روس الملائكة الكروبين وهو
بان كبره هوزين باروخ بروخ ابراخ باشمخ شماخ
مليخ هليخ عليخا اذوناى اصباوت ال شداى
طنطيش نشش انطنطيون نشش باكوا كوكه
بذلت الخضوع بين يديك بجمعج يا شديد الارعاد
ياطوثا يا منبعا متيخا يا طابطا مويا ويا غالم طموثا
ياططغين رومينا بعزتك ياخ يا هابوذا يا اذوناى
اصباوت يا ال شداى يا ايلوهيم اهبطوا امرا بالحق

الحق

الحق بدفع الباطل خذها اليك يا ميططرون هيا امو بقضاء
حاجتي الساعة ما لكم لا تجيبون يا اولاد الحارث يا
ميمون يا شمهورشا يا احمر يا مذهب يا ذو بعتر يا
برقان يا ابيض ومن يعرض عن ذكر دبه يسلكه عذابا
صعدا اجيبوا العجل وافعلوا كذا كذا هيا يا ميططرون
امو بقضاء حاجتي الساعة والله اعلم صفت قسم
دادن ميططرون كه حاكم روحانيت بدان بدرستى كه او در حضرت
عليهم است قسم داربت بسم الله الذي له اسم لا ينسى
ونور لا يطفى وعرش لا يزول وكرسي لا يحول فهو
الله العظيم الجليل المجيد ذو الجلال والاكرام الله
لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا
نوم حتى لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا
من خلفه اقسمت عليكم ايها السيد ميططرون
هالك الارواح الروحانية ساكنين تحت عرش
الملك الجبار القهار الحادبين بحزبكم المصرفين في جميع
انعالكم بالذي وكلكم بالملائكة وايدكم بالجنود

وَاَعطاکُم هٰذِهِ الْقُوَّةِ الّا ما اَمَرْتَ خُدّامَکَ دَعْبائیلَ
وَجَهْبائیلَ اَنْ یَنْزِلُوا بِعِزَّةِ رَبِّکُم وَتُعِینُونِی بِقُوَّةٍ مِنْ
عِنْدِکُم بِعِزَّةِ شَمْخ مَلَخ فالح مِلَخ هَلُوهیم هلوهیم جواد
واحِدِ القاهِرِ الْمَعبُودِ بِکُلِّ مِلَّةٍ وَمَکانِ الْمَحْمُودِ
بِکُلِّ لِسانٍ اللهِ الْقَدِیمِ الْاَزَلِیِّ الْمُتْقِنِ الصّانِعِ
الْقاهِرِ فَوْقَ عِبادِهِ اهیّا اَشَراهیّا وَبِحَقِّ الْاِسْمِ
الَّذی نَزَلَ بِهِ جَبْرائیلُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ علیه السّلام اِلّا
ما اَجَبْتُمْ وَحَضَرْتُمْ وَفَعَلْتُمْ کَذا وَکَذا اسماء تاج میططرون
بعضی فی بیند که این اسما نوشته شده بر تاج میططرون و این اسم چند
چندیست که خدای تعالی به برکت که بفیض این اسما خلق کرده است
میططرون را و طریقه اینست که بگوید اَجِبْ یا میططرون
الْحاکِمُ عَلَی الْمُلُوکِ الْجِنِّ وَالشَّیاطِینِ بِحَقِّ الْاَسْماءِ
الْمَکْتُوبَةِ عَلی تاجِکَ الَّذی خَلَقَکَ اللهُ تَعالی بِها
وَهِیَ شلشا له شمیر عمیر دلف برهیا جلجها صرفیکا
طانیا خلطوق خاطوق شفراش وملاش اجب
یا میططرون بکذا صفت مفتول میططرون اینست و این سر

الاجابة

الاجابة اینست [illegible] و قسم دود نش بعد از [illegible] بکو [illegible] بدرینی
در این قسم مذکور از فتول جلیله عظیمت و مجرب بزرگ از میططرون و این
قسم نظیر ندارد و عجیب و غریب است پس هر وقت خواسته باشی تا حاجت
هر کس را بنویس برابر و این اسمها را و در چراغ سبزی و بنویس اسم مطلوب
و اسم مادرش در دو چراغ و برابر در ساعت پنجم روز شنبه یا ساعت هشتم
یا در ساعت اول از روز دوشنبه و حال آنکه در زیادتی نور باشد و در کتان
بجوز کن مثل ازرق و جام شیر و دو سه بن لبنبز برگ مورد و حسن لبان و تخم
تخم شتر مرغ بعد از آن چراغ و مفتول بطرف راست خود بگذار و بخوان
عزیمت را بیست و یکمرتبه بخوان پس بتحقیق حاضر میشود او را اگر خواهی
بامر و قدرت خدای تعالی پس اگر مطلوب آمد والا این عمل را سه شب
بجا آور باز اگر نیاید بدان که دیوانه شده یا ناجاق است یا مانعی
دارد مثل پدر و برادر یا شوهر یا غیر آن بدانکه محبت تو ساکن میشود
در دل او تا دفعتی که بمیرد و آنچه برابر نوشته میشود اینست فتیله اول

[illegible]

هیچجو کذا وکذا
و آنچه بر فتیله دوم نویسد

[illegible] هیچجو کذا وکذا

آنچه بفتیله سیم نویسد

[illegible]

[illegible] هیچجو کذا وکذا

و این قسم را ان منقوشست بکو یا شمخ شماخ هلیخ صلیخ
علیخا اذوناى اصباوث ال شداى عزغ خنیثا
هودت النور الاعلى هیا باسم الذى لو تکلم به
ملک لو تنح لا سا فطت رؤس الملائکة الکروبین
وهو بان کبره هوزین بادوخ بروخ ابراخ یا شمخ
شماخ العالى طنطیش نتیش انطنطیون یاکو
اکووک بذلت الخضوع بین یدیک بجمعج یا شدید
الاعمالى یا طوثا یا منیعا متیخا یا طلطیا مو یاویا
عالم طمو ثا ططغیر ومیثا لا تزول بعزتک یا بخ
یاها بون یا اذوناى یا اصباوث یا اله یا ایل
شداى اهبطوا امو یا اولاد الحارث یا میمون
یا شمهروش یا احمر یا مذهب یا ذو بعتر یا برقان
یا ابیض ومن یعرض عن ذکر ربه اجیبوا واجلبوا
وهیجو کذا وکذا ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون
هنالک مبطلون ام بقضاء حاجتی العجل اسرعوا
یا معاشر الارضیة صفت منقول دیگر عظیم وصحیح ومجرب ولکن جید

شرط

شرط در دو صورت تمثال ب را از شمع فام صورت کن چو خواهی طلب او را
وصورتش تمام باشد وشلث بکشد پس بکو ۲۵۲ نام او و نام مادر او را
وچون تمام کوى صورت را بکیر و دو دست صورت تمثال را بر سر او
و دست دیگر بر قلب او فرو کن بر دست وسینه او بنویس که با صوراخ
بدوزدان نقش کن بر سر او و این اسم را بان کبره هوزین بادوخ
بروخ براخ اشمخ شماخ العالى على کل براخ و بنویس بر سینه صورت
ایزاطنطیش نتیش اکوا کووک و بر شانه او بنویس بذلت الخضوع
بین یدیک بجمعج یا شدید الادعاد دیگر بنویس بر اوراک صورت
اینها را یا طوثا منیعا متیخا وطا یطامو یاو عالم طمیوثا
و یا ططغیر ودومیثا بعزت الله اسرع ثم تکتب على خرقة
من اثره یا خرقه نو را این اسمها را و این خرقه را فتیله کن و بموم بگیر
و در سر کله ان صورت فرو کن و نزد عمل کون او بطرف خانه شخص
کند باز فتیله دیگر ب زد او را در چراغ سبز بکذار و در روشن کن
و زیر ان صورت و می باید بزرگ که صورت معلق او تخته باشد بر چوب دار درخت
مورد و بنویس این اسمها را بر سه برگ مورد و می باید برگ مورد سبز و خشک
باشد اسمها اینست و فتیله را بر صورت تبکه تبکغال بیه

يه هو يعوال شلع واتچه سر برقبه بونيه نيت وقبه دار بر بوزت

بسوزاند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

واين اسما را بنويس بر فتيله چراغ بهيهليه هلهليو هيوه يوه

يوه طشقوا [illegible]

هيبوا را هلوه صهليوه هليوه توكلوا يا خدام هذه الاسماء

اتهيج وجلب كذا وكذا بعد از ان داخل شود در جاى خالى كه در شب يكشنبه

وحال انكه قمر در برج نارى باشد وبخور كند حب با آن وروغن بان

وحب زنبق روشن كن فتيله ها را ورودى چراغ بجانب در باشد وبخوان

بسر كه پيشتر ذكر شده اول اين نيت يا شمخ شماخ هليخ ٢

بمجمع الى اخر والبخور عال وبپرهيز از گناه وحذر كن ولا حول ولا

قوة الا بالله العلى العظيم قسم ٣ نيت بسم الله الرحمن الرحيم

ذو الجلال والاكرام وذو البقاء والدوام وذو الطول

والانعام ذو المن والاحسان والكلمات التامات

والنوافذ

الذى لا يرام والملك الذى لا يضام والعين التى لا تنام

احرقكم ايتها العمار تامات والذى والمتوكلين

والمرصدين فى هذا المكان بسبحات جمال الكمال وجه الله

الحى القيوم رباه اه هوهو ياه ٣ هيه ٢ هه هللو ليا

طهميل هو هيا ن يا طنا هش ياه سل يوه شفتق

ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل

والنهار والفلك التى تجرى فى البحر بامره ان فى ذلك

لايات لقوم يعقلون اجب يا مبططرون بحق ما سمعت

واحرق مردة الجن هذا المكان بحق نوموهش لهيوش

اهارش روحياش دد حياش اديا دوش قسم ٤ بر آن

كه رست او را اسبت رحمت در وقت عمل بخوان و بسيار عظيم است

در مقام رابع قسم مبططرون نيت اللهم التى يجلال

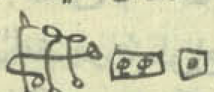
قدسك وكمال انسك وبنظرك الى اوليائك وبعزة

اصفيائك وبمحبتك الى طالبيك وبشوقك الى مشتاقيك

ان تقضى حاجتى بكن فيكون وبحق ادكياش

يا مبططرون بالقدر التى هى لك خاصة عند ربك

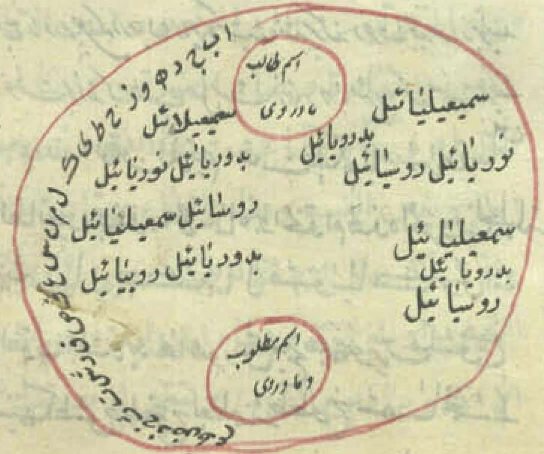
و بالله العظيم و باسمائه العظام عليك يا ميططرون
كون صن وذائم من ودائه بالموضاد يادكباش اغباش
كل شيء منقاد لعزتك مواش بدروش انت ارسلت
الملائكة من عند على الشياطين هارش هارش
فادش فارش مادش فلك الحكم على كل شيء لو شاء
كوناكد ثا انت املك المتمردين بعظمة جلالك وكمال
قدرتك مفهود انا عبدك عبدك الضعيف دعوتك
فاستجب لي وسخر لي بحقك على نفسك الها جبارا
جبارا جليلا حيا قيوما قدوسا مقدسا جبارا عظيما
عليما حكيما يا شمخ شماخ اشمخطا المخطا اشمخطل
مخطائيل الملائكة في اسرع وقت جليهيثا جليهيثا
جليهيثا جليهيثا وما ارسلناك عليهم حفيظا بل
الرحمن ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان
قريب محاب كوائيل بنويسد و بياويزد بر كسى ابن
اورا گرفته باشد بشرط آنکه حروف او را کور بکنند و نقط نگذارد این است
هوس اهيوس اطهطوس طاهوس مهوس
كهيوس

كهيوس اهطوس بهروس طهوطس مهطس اهطاس
هبطوس احليوس حليوس طبس حاطس اهلس
هلاس هوس كهيوس مهيوسلا هلاء اهلياه
بعطس بعطس  بحق هذه الاسماء اجب
عني اعوانك واتباعك وبحق الاسم الاكبر الذي
هو مكتوب على تاجك العظيم وهو مصطلهو طلا
سطا دعوة سلاسل شل تش بنورانيت واو مشتمل بر سرّ روحانيات
و جمع روحانيه وارضيت بسم الله القديم المقدم في
الاول والاخر فيما يشاء القديم الباقي البديع
الذي ليس كمثله شيء سبحانه من ملك جبار
عظيم غفار لا اله الا هو الكريم الستار مكور
للنهار على الليل ومكور الليل على النهار اجيبوا
يا معاشر الملوك العلوية وامروا خدامكم وكل
خدمكم من الارضية يأتوني عن يميني ويجيبوا
دعوتي ويسمعوا كلامي ويقضوا حاجتي اين ما
دش الطويل وذمان وما زدوها وكندوش

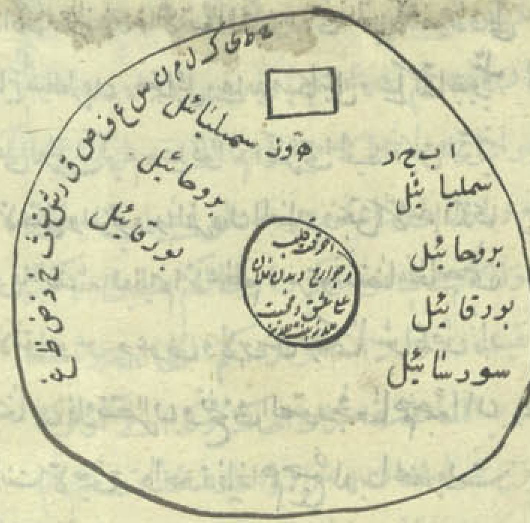
وعطموش الكبير الذي اذا صاح في الجان اتوا اليه من كل
مكان ازجوهم وازعجهم يا مارش الاول وعف دعوتي
لا يحول اين جاثم لا حدح ياتي الى دعوتي بفرع واما
جرفع ويأتي الى صاعقنهود غيطول غيطول ميطول
شمول لا يبقى في موضعكم وا وطانكم صغيرا ولا كبيرا
ولا نقيب ولا وزير ارسلوا رهنكم المتخالف وشتت
القلوب المنافقه واسرعوا الى كذا وكذا ولا تكونوا كا
الذين غولسليمان وشردوا عليه فضاقت عليهم
الارض بما رحبت وضاقت عليهم انفسهم فظنوا ان
لا ملجا منه الا اليه اسرعوا الى ما ارسلتم الملجم بلجام
القدرة الى يوم القيمة بفعل ولا يتكلم عظيم الخلقة في
رقبة خلقة من نار يهرب بها شياطين الجان المخالفين
على اهل العزائم والقران العظيم اجب يا جلجم اجب يا
طامش اجب يا كامش اجب يا هامش اجب يا ذوبعة
الحنديم في يوم الجمعة ولرامو في لفظة الكلام من بلد
اجيبوا يا توا بعتر ويا ذو بعة احضروا دعوتي وافعلوا

كذا كذا

كذا وكذا بحق هذه الاسماء المكتوب في اللوح المحفوظ وعلى
جناح ميططرون وجبرائيل وعلى يد ميكائيل وعلى كفا جبرائيل
وعلى العرش الكريم وعلى قوائم الكرسي المحيط وبحق التوريت
والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبحق الاسم الذي
سمى به نفسه العظيم الاعظم اسرعوا بقضاء حاجتي
ولا تتوانوا عن دعوتي ولا يرسل عليكما شواظ من نار
ونحاس فلا تنتصران ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا ان
كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون
الساعة العجل



مرتضی یزشی دی بن ابح م دیب اس د
کسرم ان شاهی سنه ۱۳۳۹ شمسی



ربع را در ربعی که در میان دایره کشیده شد برکند حروف ابجد مدور بنویسد
و عزیمت بخواند که مطلب حاصل است و در نهار روز نا شروع نکند اینست عزیمت

بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیکم یا معشر الروحانیین
الطائعین بهذه الاسماء والخدام لهذه الحروف الجليلة
هيثمهيا ل كشما ل هشوشيا كيرش انت
القوى الشديد هاهورش مبخ هيهورش مكشوهيخ
سيهكطش طمطفوح بعظمة طوخ شمسا نخمشط

طمخليا

طمخليا طمخ فاطر السموات والارض كهشفيال
تدكدكت الجبال لعظمة اسمائه اهوه بهوه
بحق هذه القسم الذى تجب طاعنه على كل
روح وروحانى وجسمانى سخروا لى فلان بن فلان
اسرعوا وانفذوا واجيبوا بتهييج فلانة بنت فلانة على حب
فلان بن فلان اللهم انى اسئلك بالالف المعطوف
الذى هو مبدء الحروف وبباء البهاء وبتاء التلاوة
وبثاء الثبات وبجيم الجلال وبحاء الحيوة
وبخاء الخوف وبدال الدخان وبذال الذاريات
وبراء الربوبية وبزاء الزبور وبسين السناء
وبشين الشهادة وبصاد الصدق وبضاد
الضياء وبطاء الطاهر وبظاء الظهيرة وبعين
العلم وبغين الغيب وبفاء الفاء وبقاف القدرة
وبكاف الكون وبلام الالوهية وبميم الملك وبنون
النعم وبواو الولاية وبهاء الهداية وبلام الف
الالاء وبياء يوم النداء ان تسخر لى فلان بن فلانة

وان تجمع بيني وبينهما اقسمت عليكم يا ملائكة هذه
الأسماء والحروف بحقها اسمعوا ما اجبتم وامروهم
بما اريد واحضروا للدن بن للدن بحق انه من سليمان
وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني
مسلمين يا ارواح الطيبين الطاهرين المسخرين
لهذه الحروف والأسماء خدام وخدام هذه الأسما
المباركات المقدسات العجل العجل العجل الساعة
بارك الله فيكم وعليكم بسم الله الرحمن الرحيم
هشتاد نوزده نام داود پیغمبر علی نبینا وعلیه السلام این نامها را بیرون
آورده اند و آزموده اند اول اگر کسی بر طاسی نویسد و پانزده
بار با آب بشوید و با آن آب روی خود را بشوید هر که او را بیند
دوست دارد دوم اگر کسی چهل و چهار بار به نیت محبت بر طعام بخواند
و بهر که خواهد بدهد دوست او شود سیم اگر بر نه اجزا بنویسد و در آب
سبز دهد شفا یابد چهارم اگر بر پنج سنگ سیاه نویسد و در آتش
اندازد و بعد سه روز سه سنگ را از آتش بیرون کند و بنام هر که
خواهد در چاه اندازد و بعد سه هلاک شود پنجم نود و نه بار بر چهل قطعه

سیاه

سیاه بخواند و در آتش اندازد بنام هر که خواهد در حال آتش در دل افتد
و مهربان وی شود ششم آنکه بر نه پاره کاغذ بنویسد و در هر شب
بسوزد بنام هر که خواهد در حال آتش در وی افتد از عشق او بیقرار گردد
هفتم بر نقاره بنویسند بر سه پاره کاغذ و از باد بیاویزد بنام هر که
خواهد حاضر شود هشتم آنکه چهل بار بر کف دست خواند و دست را
بروی فرود آرد هر که او را ببیند دوست دارد نهم بر کف دست
نویسد پیش هر که رود مهربان او گردد و حاجتش روا کند دهم بر سفال
آب ندیده نویسد و در زیر پای جامه نهد با آتش نی بر نهد
بر زمین بکشد وقت نماز خفتن و در جنب وی سه میخ آهنی فرو
برد بنام هر که خواهد خواب او بسته گردد بر قبضه کمان نویسد
تیر او راست رود و خطا نکند بر مصروع و دیوانه خواند بهوش
آید اگر بر قفل خواند و قفل را به بندد هر که خواهد زبانش
بسته گردد بر انگشتری نقش کند از زند کمان ایمن گردد برار
سرای نویسد هرگز هیچ بلا بدان سرا نرسد از خون مرغ سیاه
سیاه بر پوست آهو نویسد و بر بازوی راست بندد جادو بر وی
کار نکند نویسد بر پاره جامه آنکس هر خواهد و فتیله کند و در چراغ افکند

نهد و روغن زرد کند و چراغ را سوی خانه بخور کند از عشق او بفرد کعقل
بر پیش نی گوزک بنویسد به خوبی بکند و از فتنها ایمن باشند انشاء الله

یا معلا فاطوس یا طهوا شرق یا حملاحیل
طار یا غنانا والاش یا شططمیا لاف یا
استحیینا ویا عدیما عیش استفقاطبس ا
اسطلیس طوع یا سفهففوط احمحیلا وطین
اشلاقا واة بمن بخلاطیل یا بهمو یا ش عرخا ما ط
یا فنشا فتناواش یا طهولات یا ما لت
کهولاج یا بوبتوخو چون ماه نو بیند بر این لوح نظر کند
که خیر و برکت افزاید انشاء الله تعالی و تقدس عیطح بصطح
سفطح اسطح لسعطح عماطح صعطح اصح سمطح
سفطلح برحمتک یا ارحم الراحمین مرتضی بن احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

شرح علم خافیه و علم جفر و علم سفر آدم و شرح قواعد جمیع علوم
رصدیات و این لوحیست از علم الواح و این اصل سر علوم است
جمیعاً و اقسام صور نشان ربط کون حروف از سر تا قدم و تحقیق

ابجد

بیشتر ذکر شده ولیکن اینجا موضع ترکیب صورتست و ترتیب حروف
در صور پس پیاموز تا مطلب بر سی انشاء الله تعالی پس هرگاه خواسته زیادتی
عقل و فهم و نطوت و زیرکی و زیادتی حفظ بنویسد الف
در جام زجاجی بزعفران و بشوید او را با آب باران و ممزوج کند با عسل
و زعفر و معجون ساخته در روز قمر نوز فر قرم شخص تناول کنند نافع است
و طریقه ایست از علم الواح و این علم خواص الحروف میگویند حرف
م از جهت کمی عقل و بی شعوریست ضد علت الف حرف ب
و این حروف فم است و خاصیت فصاحت و حرارة نطوق است
و فراست و جریان لسان و اپنه وقار و این آیه از حضرت ابراهیم
علیه السلام التعریف حروف ج و این حرف نفس و هوا است
و نطق پس کسی که خواسته باشد جوانه لسان را بنویسد حروف ج
بر لوح ذهب بعدادی که از خم صفصاف باشد و بلیسد او را در شب
تمام ماه بدرستی که ظاهر میشود از جهت فصاحت عظیم تعریف حرف
د ۴ حرف دال طبع نافع است از جهت ذکا و نور و جلاء باطن و نقطه قلب
و حرارة و علم و مشرف شدن رغبات تعریف حرف ذال جهت
قوة دل و نور و روشنی باطن بنویسد ۶ ذال در لوح نقره حالتی که قمر

مشغول مشتری باشد و زایده النور باشد در هر ماه و بشوید لوح بگلاب
و آن آب را بیاشامد در حالتی که ناشتا باشد آن لوح پیش اهل پس
تحقیق که آن شخص صاحب هیبت و وقار و نور و عزت و بها و شرف
خواهد بود و مشرف میشود بر اهل غیب و با ایشان جمع میشود و همیشه
طالب او خواهند بود تا اینکه گاه باشد از چشم مردمان غایب گشته
و مادام که لوح باد باشد جمع شوند بسوی او ماهی دریا و مرغ هوا
و ضد این عمل عمل حرف ظاء است تعریف حروف علم این
حرف ب از جهة ثبات و سکون از حرکت و از حرکت بسکون و اقبال
و ادبار و هم و تقلیل و ابطال رد و ابرار دیگر نار توبه و توفیق این حرف
بروز یکشنبه ۲۲ ام متعلق است حرفیست که در اعمال جلالی و جمالی هر دو
بکار است جلالی از اسم تواب و تمام و مداومت آن که باعث
پاکی و دانائیست و ترقی از جناب حق بزرگ است بسوی شرط مواظبت
و مداومت بر اسمای شریفه و اگر عزیمت در بعض نسخه نسبی داشته در دیگر
نسخه قرار دارد اسناد آن است و آن اسما اینست تالف تا شرفی
اما آنچه بامور جلالی متعلق است آنست که سوره کریمه تبت یدا ابی لهب
بالبجه نه در نه موفق دارند و معکوس بنام خصم که سعبت قاطع

واین

واین عمل موقوف بچند شرط دیگر است که بشارت آن جا برخیست و اینکه سوره
البجه سبا تکرار است که تمام عدد ثبوت لوح نه در نه است دیگر
ثبوت است یعنی حرف مخصوص بروز دوشنبه ۲۳ ام است دیگر اسمی
از اسما الهی است که متعلق بان حرفست و این اسم ثابت است و تکرار
کنند کار این اسم جهة ثبوت در هر امر و هر کار مفید است اما آنچه متعلق
به این حرفست متضمن فواید کلی و عزیمت در امور این دنیا و در اعمال جلالی
و جمالی در کار است بشرایط قرائت عزیمت و سوختن بخور و مداومت آیه
مذکور و این آیه مذکوره را بجهة هر کاری که باشد بعدد ... باید خواند و جامع
جمیع حروفاتست و از شرح مستغنی آیه اینست ثُمَّ اَنْزَلَ عَلَیْکُمْ مِنَ
الْغَمِّ اَمَنَةً نُعَاسًا الی قوله بذات الصدور دیگر خاصیت حرف
... که در روز سه شنبه ۲۴ ام ... سه اسم که باین حرف متعلق است
در مربع سه در سه موفق بنگارند بطریق تکسیر و عددی این اسما
... مواظبت نمایند و بقرائت عزیمت مشغول شوند باعث اطلاع
بر ... باشد و اسما ... اینست خبیر خالق خلاق ف
و اگر از دل خصم خواهند اسم خافض را باسم آن شخص ممزوج ساخته
مرفق دارند و بقرائت اسما عزیمت مشغول شوند از ار دوست دیگر

ذال

ذال ذی العرش المجید اگر در روز سه شنبه بیست پنجم ماه این هشت
اسم را هفت روز هفت نوبتی دارند و بقراءت و عزیمت مشغول شوند باعث
ظهور تجلیات نسبت باشخص دیگر بشرط طهارت بدن و لباس و تقوی
تام و لزوم ذکر اسما اینست ذوالجلال ذا الاکرام ذو الحول ذو
الطول ذوالقوة ذوالفضل ذوالعرش دیگر ضاد ضوء ضیاء
این حرف متعلق است بروز پنجشنبه بیست و ششم ماه و بعضی این اسم برین قرار
داده اند ضار ضام و ضارات و بعضی یک اسم ضار اکتفا کرده اند
و از معانی این اسمین شریفین شمه از معلوم است هرچون خواهد بعد و دایم
ثانی که اسم ضارات در عدد جمل هزار و یک عدد است و متعلق است
با مور جلالی با شرایط چند که رعایت آن جایز نیست و اسم اول
متضمن اعمال جلالیست و انچه بکیفیت الاثر ما دو دیگر ظا ظهور است
اینست ظاهر طاهر طیب اگر این دو اسم را در لوح هشت در هشت
بقاعده تکسیر حرفی نوبتی دارند و بذکر و عزیمت مشغول شوند حاجت
مقضی گردد دیگر غین غنا و غفران این حرف متعلق است
بروز شنبه بیست هشتم ماه و اسم غنی از ملفوظ همین حرف ظاهر است
و ذکر این اسم باعث غنای صوری و معنوی است و اسمای متعلق بحروف
مذکور

مذکور اینست غیاث غافر غفار غفور غالب غلاب
غفو و غوث غنی غایب این ده اسمست و ده روز ده نوبتی
باید داشت و بر اسما و قراءت عزیمت مواظبت باید نمود که موجب
نوایب کلیست دیگر لام الف نفی و اثبات این حرفیست مشترک
و متعلق بعقد تین راس و ذنب و در بیست نهم ماه به اعمال این حرف
مشغول میتوان شد و عمل جلالی و جمالی از او ساخته است و شرح این حرف
بقاعده خاص در فصل سیم همین کتاب ذکر شده و خلاصه شرحش اینست
که کلمه طیبه لا اله الا الله متعلق باین حرفست و این کلمه ذکر و دوا و خاص
و عام است و از حد وصف مستغنیست و بعضی از استادان پنج اسم
متعلق باین حروف داشته اند و اسمای خمسه اینست لا طف
لا هب لا حق لا مع لا مح والله اعلم بحقایق الامور فایده
در شرح خواتیم کواکب بدان اسعدک الله که بعضی از استادان
خاتم هر کوکب را در الواح عددی و تکسیری چنین قرار داده اند
که خاتم نه در نه را بقمر منسوب داشته اند و روز دوشنبه و دعوت
عیائیل و ملک زوبعه و شش در شش را با آفتاب داده اند
و روز یکشنبه و دعوت روقیائیل و ملک مذهب و پنج در پنج

برنج داده اند و در روز سه شنبه و دعوت سمسائیل و ملک احمر و چهار
در چهار را بمشتری داده اند و روز پنجشنبه و دعوت اسرافیل و ملک شمهورش
و سه در سه را بزحل داده اند و روز شنبه و دعوت عزرائیل و ملک
میمون و در خاتم سه در سه پنج نوع مقرر داشته اند یکی طبیعه
و یکی ناری و یکی هوائی و یکی ترابی و سطور اول بر قاعده در لوح
مذکور چنین است اول طبعی ح ا و و دیگر ناری و ا ح و دیگر
هوائی ب ط د و دیگر مائی و ز ب و دیگر ترابی ب ز و و گفته اند
که آنچه اراده بوده باشد بحسب طبایع ملاحظه آن عمل کرده بسبب
عمل نمایند چنانچه اگر از زنی یا محبت خواهند ملک مذهب سه
قسم داده چنین گوید عزمت علیك یا ملك مذهب
بالذی اخرجك من النار ان تهیج روحانیة المحبة
الساكنة فی قلب ۲۲ علی محبة ... و موقد فی بحق
والطور وكتاب مسطور الی قوله تعالی مرفوع و اسم شخص را
با حروف آتشی داده در کارد فولادی نویسند و در آتش نهند و بخور
بان لبوزانند و عزیمت ملک احمر بخوانند و لوحش بقاعده
ناری رقم زنند چنانچه سطر اولش نموده شده مفید است اگر طلبان

سحر

سحر خواهند عزیمت ملک ابیض کنند و لوحش بقاعده ناری رقم زنند
چنانچه سطر اولش نموده شده و اگر تذلیل عدو خواهند عزیمت ملک
احمر بخوانند و لوح ترابی و هوائی و اگر رفع صرع خواهند عزیمت ملک
زوبعه و لوح هوائی و قس علی هذا و بعضی سه در سه نوعی که صاحب
کتاب شمس آورده و در بین کتاب مسطور میشود و صاحب کتاب
مسطور چنین گفته که حروف ناری متعلق است بعلم و حروف هوائی
موافق است بقوة و حروف مائی موافق است برزق و حروف
ترابی جهة نفس و بواطنات و طبقه حروف را بدین نوع قرار داده اند
ناری ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن مائی س ع ت ث
خ ذ ظ غ ترابی ص ع ف ض ق ر ش و جمله را معلوم چنانچه
از طبایع گفته شد حروف آن طبع را در خاتم می نهند و حروف
مذاکره را بجهة امور جلدی از خاتم سه در سه می نهند و حروف
مذاکره اینست ا ف ق ک ل م ن ه و ی ر د ل م
۳۰۲۱ ۴۰۲ م ۳۰۱ ابجد حروف است و عددش باید گرفت
که مرفق رازانند و دیگر بر عکس حروف منجابه و عدد منجابه است
و هم صاحب شمس بیان کرده که اگر کسی خون دماغ آید

اگر طمع مطلوب ناری باشد و موزی که اورا محب و بیقرار کرد انداز این
نقش ناری را نوشته با بخور در آتش اندازد البته مطلوب بی آرام شده
خود را بخور رساند و این نقش از مجربات است که مکرر تجربه شده است و بخور تش
سعد کاغذ سیاه و سفید و عود کشته و کندر و سنبل و قرنفل از هر کدام
قدری با طلسم در آتش اندازد و اگر در خانه باشد خانه اش مجیده شود
بهتر است نقش این طلسم این است ک ٥ م هلکم ک ١

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و دعای که باید خواند با آیات
اینست اللهم یا کل الکل و یا محیط با الکل و الیک
الکل ما اکمل کمالک یا حی یا محیی احی کل بلطایف
لطفک احیا بک محیا املاک افلاکک بحکم حکامک
کل فی فلک بحکم کلامک الحکم الحامل بدا الیک یا حکیم
لک الحکمة جل جلالک یا جلیل یا جمیل یا مالک
کل ملک الملک لک لا ملک لها لک ملک الاملاک
فالکل لک لا ملجا منک الا الیک فاکفل حالی

فی کل

فی کل حال یا مجیب وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار
فاذا هم مظلمون والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر
العزیز الحکیم والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعر
جون القدیم لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر
ولا اللیل سابق النهار وکل فی فلک یسبحون
اقسم علیک یا الله بالاسم الاخضر والاعظم والسر المکنون
فیه ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حاجتی
کذا وکذا کن فیکون و بعد از ان بخوانند وآیة لهم انا
حملنا ذریتهم الی آخر السورة و بعضی هفتاد و ان کفته اند در دعوت
و عزیمت مرحوانند به منزل میبایدعمل و منزل عبارت از خطیب
که بر هر حرف کشند با بر هر سجاده که بر بالای ان باشند یا بر هر حجره
از اندرون حجره که در آن حجره بعبادت و قراءت عزایمات مشغول
باشند و در این باب هر کس نوعی اختیار کرده اند چنانچه بعضی بمجرد
خطی اکتفا نموده اند و بعضی به آیتی از آیات قرانی عمل کرده اند و در راه
روی بر آن گشاده داشته اند جهة آمد و شد تجدید طهارت و بعضی
سوره کریمه قل اوحی را تمام حرف بحرف بر هر سجاده رقم زده اند

واز عقب راه رو را گشاده اند اما نه آنچنانچه گشاده بجز بیکطرف کشیده اند
مدربط بی سنبلی و از سر آن قدم بالا بسجاده نهاده اند و بعضی در کشیدن
خط کهیعص و حمعسق خوانده اند و بعضی این حرسم را
مندل ساخته اند علی ای حال آنگاهی که متوجه مندل کشیدن باشد
میباید خواند که ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة
مبارکا وهدی للعالمین فیه آیات بینات
مقام ابراهیم ومن دخله کان آمنا بسم الله الرحمن الرحیم
توکلت علی الحی الذی لا یموت وتحصنت بلا اله
الا الله واستجرت بمحمد رسول الله وعلی ولی الله
تعززت بالواحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد قد رددت من اراد لی بسوء
بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا حافظ یا حافظ
یا حفیظ یا حافظ یا حافظ یا حفیظ اللهم واقیه
کواقیه الولید یا سند من لا سند له یا غیاث
له یا ودود یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید
یا فعال لما یرید اسألک بعزتک الذی لا یضام و
بملکک

بملکک الذی لا یرام وبنورک الذی ملأ ارکان عرشک
ان تصرف عنی شر الدنیا والآخرة وارزقنی خیر الدنیا
والآخرة اللهم صل علی محمد وآل محمد برحمتک
یا رب و گفته اند که این عزیمت در هر وقت بکار می آید
خاصه در وقت مندل کشیدن و بمندل نشستن فواید بسیار در ضمن
این عزیمت فایده از بعضی شنیده ام روایت هر کلام با رهنمدرا
خاصیت بسیار است واز آنجمله هر اسم اختیار کرده اند و شرح خاص
نموده اند که اگر کسی را حاجت مشروع ممکنة الوقوع بوده باشد
پنجاه و هر شب یکصد و هشتاد نوبت این اسم را بخوانند خاصه
طیر کهف بامراد که و در نصف شب گفته اند که باید خواند و بعضی
دیگر در این ماده گفته اند که پنجاه و دو روز بروزه باید بود و در خلوت
باید کشید و چراغ نباید مرد و هر شب این اسم با عزیمت باید خوانند
و بخور بسوزانند تا موثر آید و این اسم اینست مهادیون مهاسرا
وعزیمتش اینست اقون رهاین بدام نند انتوری هوءل
سواها و دیگر گفته اند که اگر کسی را براه یا سفری گریخته باشد
و و صد سفال آب ندیده بر دارد و بر آن نویسد این اسم را یا شیعوثا

و نوشته سلا بر بالای آتش نهد و بگوید یا خدام هذه الاسم
احضروا تلان و یا احضر الاغر و این عمل روزی باید کرد که بره
یا الاغ کره بچه بشد اگر چه بعضی گفته اند که تا سه روز بعد از ان هم
ممکن است و الله اول روز اوست و این هم گفته که اگر الاغ کسی
بگریزد چند نوبت خوانده باید گفت عینوبی یا عباد الله
واحبسوا الاغی در کره بچه زود بدست آید و دیگر در باب حل الرجال
گفته اند اگر کسی را بسته باشند قدری خون گربه سیاه باید گرفت
و طلسم که مرقوم میشود بخون گربه بر تبری فولادی نویسند و تبر را
بآتش نهند تا سرخ شود و شخص بسته را باید گفت در حضرت کمیز کند
چنانچه دخان از تن برخیزد و بر ران شخص بالا رود گشاده
میشود با مراد حق و میباید که از زر از پای بدر کرده باشد و کمیز کند
و طلسمی که بخون گربه بر تبر باید نوشت اینست

۹ ٦٤۱۱۰۱٥۲۳۳۱ ۹٤۸۱۱۱٦۲۸٦ط٦٦

٥۳ ٥٦۷۹٥٤٦۹٤ ۲۲٦٥٦٥٦ک۱۱٥٥۲۲٦۲

٥ک۹٦ط۱۱۱٥٥۳۲ ٦۱۳٦ط۱۱ و ۱۳۲٦۳

سطاوث

اسطاوث اسطاوث اصباوث اصباوث هلفون
تلثون عطفون شیش شبش عشق سمتل یا تملیخا
امعادهیا هیاهی هی یا غیاث المستغیثین اغثنی
ولا حول ایضا در خواص منازل قمر و اختیارات او اول منازل
شرطین که در سند که در هند و او را سی گویند خاکی و سرد خشک است
مونث کران نظر مقابل و کور نیکست بیع و شرا و ختنه کردن
و طلب علم و بهتر و زین بر اسب اول کره و سواری کردن و شهر
آمدن و دارو خوردن و جامه نو پوشیدن و دیدن اکابران
و بعد از سفر دیکم شده و گر بچه بعد مدتی بیابد تولد فرزند خوب روی
و دانا و عاقل و دولتمند باشد بعضی این منزل را بادی گویند
دوم منزل بطین که او را در هندوی بهرنی گویند آتشی و گرم
خشک نرینه است و چنانچه نظر تثلیث سبک نیک کندن حوض
و چاه و جوال و کشیدن غله از انبار و حساب کردن و جامه نو
پوشیدن که سبز زرد از حیوان بکو سپند تولد فرزند دراز و خوب
روی از فرزندان بسیار شود اول عمر ترش و آخرش مصلح گردد
جدول اهل تکسیر قسمت بطالع کواکب طبایع آنها اینست

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اصطلاحات ... و بعده حروف زبطن پس هر حروف الوف
بگیرد و بعده نقاط حروف زبطن پس هر نقطه ... بگیرد و بعده
نقاط ترکیب حروف زبطن پس هر نقطه عشرات بگیرد و بعده
حرکات حروف زبطن پس هرگاه مایه بگیرد و بعده نقاط حرکات
زبطن پس هر نقطه عشرات بگیرد و هر حرف را زبطن که کشیده
شد هیئت الف لام فی ل جمله سیصد و ... شد لی لی لی جمله
هشتاد و دو شد فی لی لی ی جمله چهار صد و هشتاد و شش فی لی لی
ی جمله یا لف هشتاد و شش جیم لی میم لی یکصد هشتاد و سه شد
حی لی لی ی جمله هشتاد هشت ... فی لی لی ی جمله
ششصد و هشتاد و شد دال الف لام دو صد و هفده شد دال
الف لام جمله نهصد و سیزده شد ... لی لی ی جمله الد
هشتاد شد ذی لی لی ی جمله هشتاد الف شد سین لی
نون ی جمله صد و پنجاه و شش شد شین لی نون جمله چهار
صد و نود و شش شد صاد الف دال جمله ... صد چهل یک شد
ضاد الف دال جمله هشتصد پنجاه یک ظی لی لی ی جمله
هشتاد و نه شد ظی لی لی ی جمله هشتصد هشتاد شد عین

[illegible]

کوکب	آتش نار	حروف هوا	نبات آب	جماد تراب
زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ه	و	ز	ح
مریخ	ط	ی	ک	ل
شمس	م	ن	س	ع
زهره	ف	ص	ق	ر
عطارد	ش	ت	ث	خ
قمر	ذ	ض	ظ	غ

کوکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	ا	ج	ه	ب
مشتری	و	ن	ی	د
مریخ	ع	ک	ش	خ
شمس	ل	س	ث	ط
زهره	م	ف	ذ	غ
عطارد	ن	ت	ص	ض
قمر	ع	ح	ط	ق

ایضا دعوت مبیح ... اسماء الهیه هر اسمی را که خواهد اسماء کن فیکون
و اسماء علوی دعوت کند باید که از آن اسم حروف اصل و زبطون
و حروف ۱ و ۲ بطن اسم ذات و صفات جدا گانه بنویسد بعده برین
طریق شمار کند بعده حروف اصل پس هر حرف عشرات الوف بگیرد
بگیرد و بعده نقاط حروف اصل اگر باشد پس هر نقطه مایه بگیرد
و بعده نقاط ترکیب حروف اصل و پس هر عشرات بگیرد و بعده
حرکات حروف اصل پس حرکت الف بگیرد و بعده نقاط حرکات
اصل پس هر نقطه مایه بگیرد حروف اصل و علاوه نقاط ترکیب حروف

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اصطلاحات

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		

نون ی جده دو صد و شصت و شش ... نون ی جده کرور

نون شش شد ی ... جده یکصد و شصت شد قاف الف

فی ی جده سیصد نود و شد کاف الف فی ی جده سیصد و نود شد

لام الف میم جده صد و هشت و دو میم بی میم جده صد ده نون واو

نون جده صد و بیست پنج شد دال الف واو جده یکصد سی و شش

شد [illegible] حی بی فی ی جده شصت و پنج شد یی لی ی ی

جده نود شد ارقام ربعی جمع کرده حروف لبته نقط نموده شد

تکسیر نقطه شده هشت

مرتضی بن احمد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اشا ۳۵۲	بدعو ۹۲	ندعو ۹۳۰	ثدعو ۹۸۱ ۵
حیقس ۳۱	حسکش ۹۱	حکش ۹۰۶	دیجبر ۲۱۷
زجیر ۳ ۹۱	رکش ۲۹۱	زکس ۸۱۷	سفیقو ۲۱۹۱۵
شفیق ۴۹۶	صاقن ۲۱۴	ضاقن ۹۱۵	ططکس ۹۱۹
ظلکس ۹۷	عصقع ۱۲۹۶	عصقو ۱۱۹۶	فیکن ۱۶
قصبر ۳۹۲	کصبر ۳۱۲	لبوم ۲۰۲	میقس ۱۶
نفهش ۲۲۵	والق ۱۳۷	هسک ۸۵	لبیک ۹۰

اا			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

نقطه حروف بیست هشت بطن پس هر حرف را بگیرد و بعدد نقاط

حروف بیست هشت بطن پس هر نقطه عشرات بگیرد و بعدد نقاط

ترکیب حروف بیست هشت بطن پس هر حرکات عشرات بگیرد

و بعدد نقاط حرکات بیست هشت بطن پس هر احاد بگیرد بیست

هشت حروف تهجی از حروف بیست بطن کشیده شده بیست الف

لام الف میم فی بی لام الف میم جده ۸۷۶ شد بی ی ی

ی ی ی ی ی ی ی ی ۲۷۲ شد قی ی ی ی

ی ی ی ی ی ی ی جده ۶۰۷ شد ثی ی ی ی

ی ی ی ی ی ی ی جده ۷۷ شد جیم بی میم ی ی میم

ی میم ی میم ی ی جده ۲۷۸ شد حی ی ی ی ی

ی ی ی ی ی ی ۸۷ شد دال الف لام لام فی لام

الف میم فی جده ۸۵۷ شد ذال الف لام الف لام فی لام

الف میم فی جده ۷۰۵۴ شد ری ی ی ی ی ی ی ی

ی ی ی ی ی جده ۴۷ شد زی ی ی ی ی ی ی

ی ی ی ی ی جده ۲۷۷ شد سین بی نون فی بی نون

واو نون ی ی ی جده ۵۸۱ شد شین بی نون ی ی نون

جی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ۸۷۰

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فایده هر عاملی که این دعوت کند تمام تصرف آن اسم
که عامل بوی دعوت آید و از شرش ده چند آن باید و این دعوت شرایط
عامل است نقطه و شرایط عامل قبل ازین مسطور است و این دعوت تا حلف
روز است و طریق طالع کوکب و برج و خواص طبایع موافق اسم خود باید
عدد باید و قرات با موکل ساعت ختم ساخته بخوانند ایضًا اگر عامل خواهد
تصرف اسمی از اسماء الالهیه مطلوب را جذب کند باید که اسم الالهیه موافق
مقصود برآرد و بعد و اسم مطلوب باسم اعظم الالهیه تکسیر یکسطر کند
چنانکه که تکسیر و اسم الالهیه و بحرف اسم مطلوب و بعد از آن که
یکسطر تا زمام تا تخرج باب کشد و بربند کوکب اسم اعظم جدول
و حروف مسطور رسانند و نزد خود دارند و اسم اعظم بعدد اسم
مطلوب هر روز بخوانند بوقت نوشتن و اگر توانند بخوقت بخوانند
تا که مطلوب بدست رسد و بدوم طرف مربع عدد و جمله مسطور تمام
ثبت کند المثال اگر خواهد که کسی را مطیع و فرمان بردار
کند باید که اسم اعظم را تکسیر کند بدین شد الهادی اسم مطلوب
که سلطان است بدین طریق امتزاج دهد اس ل ل ه ط ا ا د ن ی
و این سطور را بدین طریق شد زمام کند باید که کم و بیش در حروف نکند

داول ی ی ی ی ی جمله ۸۴۱ شد دحا دا الف دال الف لام ی
دال الف لام ال جمله [illegible] شد ضا دا الف ذال الف لام ی ذال
الف لام ال جمله ۱۴۷۱ شد طی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
ی ی ی جمله ۲۷۹ شد ظی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
ی ی ی جمله ۱۱۷۰ شد عین ی نون ی ی نون واو نون ی
ی ی ی ۱۵۹۱ شد غین ی نون ی ی نون واو نون ی ی ی
ی جمله ۱۵۲۱ شد شل ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
ی ی جمله ۳۵۶ شد تا قاف الف ی الف لام ی ی الف
شد کاف الف لام فی میم فی میم الف لام فی جمله ۹۶۶ شد لام الف
میم الف لام فی میم الف جمله ۸۵۵ شد م ی م ی ی میم ی میم
ی ی جمله ۵۲۰ شد ن واو نون واو نون واو نون جمله ۵۹۳
۲۷۵ شد ه ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی جمله
۲۷۵ شد ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی جمله
۴۸۰ شد ارقام حروف بیست هشت با طلس حروف استخراج نموده لفظ

صعمر ۸۷۶	بعمر ۸۷۶	تعمر ۲۷۰	لعمر ۷۷۹	حمصر ۵۴۳	جعمر ۲۷۹	خرمع ۹۷۰
زومض ۸۵۱	دطعر ۵۴۷	ربعر ۴۷۰	زیسر ۲۷۷	سکث ۵۸۱	سلما ۹۲۷	صهما ۷۶۱
ضخعا ۱۴۷۱	طعس ۲۷۹	ظعر ۱۱۷۰	عنکا ۵۹۱	غنکا ۱۵۲۱	ذرع ۳۵	قطلع ۱۰۳۲
لقمس ۹۶۶	کعکه ۸۵۵	معفث ۵۲۰	عنعم ۵۹۵	دعنا ۵۷۷	هوع ۲۷۵	توع [illegible] ۴۸۰

بانزده ... [illegible] ... این نقش را در شکل

یا نزده وریا نزده پر کند بدین طریق ا س ه ل ح ط ا د ه ی

بیوم اسم اعظم و یوم اسم ها دی ع ا ن س و ل ا ل ا ه ط

بیچه است وداول ساقر برنگ

ط ی ح ا ا ه ل س ا د ل — زعفران ومشک و گلاب بنجانه یا نزده خانه

ل ط د ی ا ه س ا ل ن — بچهار طرف باشد و بدعا خانه بحروف سطور بالغ

ه ل ا ط ل د ا ی س ا ه

ح ن ا ل ص ا ی ط ا ل د — و نقش نزد خود دارد و هر روز بعد از سطر

~~د ح ل ن ا ا ط ل ی س ا~~ — که سلطنت جمه او — بوقت سطور نقش

د ح ل ن ا ا ط ل ی س ا — هر روز بعد از الفجر بخوانند و در وقت کتابت

ا د س ح ی ل ل ن ط ا ا — بخور مشتری لکار برد و بعد هر صد که از سطور

ا ا ا د ط س ن ح ل ی ل — اسم مطلوب آید یکبار بخوانند یا هادی

ل ی ا ل ا ج و ن ط س — من استهد امه اهد قی به

س ل ط ا ن ی د ا ه ل ا — و اجعله طوعا لی وطوع یدی

و مکنی ناصیته و قلبه در شمس المعارف گوید بدین نحو انند

بعد در صد یا هادی من استهد ابدا اهد فی هادی فلان

بن فلان و اجعله طوعًا لی وطوع یدی ومکنی لی

ناجیه

ناصیته و قلبه ... [illegible] ... یکبار که بعد ... [illegible]

هر اسم را که خواهد لسته بخوانند منصرف گردد **فصل ششم** در بیان

حروفات و صورت ان و خواص و اعمال حروف و درجات

طبایع و خواص حروف و حروف تسمیه و شرایط عمل و جداول

و عمل شرف و قسمت حروف باهل عرب و عجم بدانکه اسرار الهی و ظهور

ما سوای پوشیده و تعلیم حروف بنجند قسم منقوش است حروف ملفوظ

و مسرودی و مکتوبی و طبوعه و نورانیه و ظلمانیه و حروف ادنی و اولی

و ادنی و حروف منقوطه و حروف غیر منقوطه و حروف کهالف

در اشان مندرجست و حروف سبعه منفصله و قسم ناری و هوائی و مائی

و ترابی و حروف ملفوظ انست که از ترکیب سه حروف نیم جون الف

و جیم و دال و غیره که حرف اخر از جنس اول نبود و اینها سیزده اند

و ان دو قسم اند یک قسم زاید المکر که انست و قسم دوم زاید الکون زاید

المکرر چنانکه الف و زاید الکون جون جیم و دال و غیره حروف

مسرودی انست که از ترکیب سه حروف بتلفظ آید و سی حرف اخر از جنس

اول بود و ان سه اند میم نون واو حروف مکتوبی که لفظ ان

دو حرف است و ان هژده اند باصطلاح عرب با تا ثا حا خا

حروف ... [illegible]

حروف ملفوظ و مکتوبی

دو ذا طا ظا فا قا ها یا و بلسان عجم یای الف یا را اضافه کنند و حروف
ملفوظ بهشت اند که ایشان دو قسم کرده اند یک قسم نورانی و دویم
ظلمانی و حروف نورانی چهارده اند و آن هست صراط علیٍ حقٍ
نمسکه و حروف ظلمانی چهارده اند تبثجو شضطفغد و بعضی نورانی را
حروف اعلی خوانند و ظلمانی را حروف ادنی و نورانی را حروف
حق گویند و ظلمانی را حروف خلق و ظلمانی را دو قسم کرده اند بعضی
حروف را ادنی بعضی حروف را ادنی ادنی خوانند و حروف ادنی
ب ت د ذ ض غ و و حروف ادنی ادنا ث ج خ ز ظ
ف ش حروف منقوطه پانزده است ب ت ث ج خ ذ ز ش ض
ظ غ ف ق ن ی و حروف غیر منقوطه سیزده اند ح د ر س ص
ط ع ک ل م و ه حروف ثلث بر سه اند جیم زن میم نون واو و حروف
که الف در ایشان مندرج است بیست یک اند الف با تا ثا حا خا دال
ذال را زا صاد ضاد طا ظا فا قاف کاف لام واو ها
یا و حروف سبع منفصله اینها اند ج م س ش ع غ ن بر حروف طبایع
اختلاف چهار گونه است و قبل ازین بچهار دوایر مسطور اکنون عمل
و خواص هر یک حروف دریابد اولا حروف ملفوظی برای گویاندن

فصل

فصل تکسیر کرده [illegible] واقف شدن [illegible] و دل حقایق
و حقیقت اشیا حروف نوشته اسما الالهی را استخراج نموده بوقت کیوان
در رسا زد بانتقامت هر روز عداوت نماید اثر ظاهر گردد و
دشمن هلاک گردد حروف مسروری برای محبت اثر عظیم دارد
نام محبوب استخراج کرده نام داده نقش نموده نگهدارد و از حروف
هر انام استخراج نموده ورد سازد و نقش نگهدارد و اسرار
مطلوب بدست آید حروف مکتوبی اگر کسی از حرف خود جدا شده
چون این حروف تکسیر کرده بنام او نگهدارد حروف ملفوظی
برای جمیع مهمات و کارهای دین و دنیا مؤثر یافته اند از جفر جامع
و خافیه معلوم کند حروف نورانی برای حق ظاهر شدن و باطل را
باطل کردن و هدایت ساختن و گشایش علم ظاهری و باطنی و معرفت
الهی و منور شدن دل در روی خود مؤثر است و حروف ظلمانی برای
گمراه کردن شخص را از راه و مؤثر است و حروف ادنی برای
ظالم از مرتبه اعلی فرود انداز و حروف ادنی ادنی از بلند
فرود انداز و دار فرود اسفل السافلین کنند این حروف را تا نجات

در زینت یافته که بهر اسمی که حرفی از این حروف بود تعلقت

خیر و کثرت شر گفته باید و حروف منقوطه را بفتوحات و اشراق

قلوب موثر یافته اند چنانچه روز یکشنبه وقت طلوع افتاب بمشک

و زعفران بر ورق اهو نوشته بر سر نهیم و این کلمات خوانند مکلم

کلم بالحا یا مستعجلا یا مستجیراه یا ان یا لد بالا به

وها به و ما به و یا ها به و ها به و ها به نا لم بد چه

در ضمیر اوست ناطق گردد و حروف منقوطه برای عقد لسان

و بیهوشی دل و اگر در وقت کسوف یا خسوف بر عضو شرف

در قلب بشکل ۳ در ۳ نهند و ابتدا از خانه ششم که بوضع طبع

تمام کند و با تمام شرایط این تمام اند چنانچه بعد این ذکر خواهد

شد و اسم هر که خوانند در عقب قطب بشکل نقش کند بعقد

لسان نظر ندارد و حروف تثلیثه برای جلب قلوب و تسخیر

مطلوب بمشک و زعفران و شیر ادمی که اول زاییده باشد نوشته

بر سر نهند از دو وجه که الف در وسط ان در جهت بیت یک آغوش

برای الفت و ربط چنانچه حروف اول عضو در دایره از این حروف

نوشته بقدر امکان ترکیب کنند و بدان عضو بندند المثال

بود دیگر

بود دیگر اول شین آمده شش شش شش تشخیص شش شش شش

شصت شصت شط شعف شکر شو شهشی

و اعراب از دایره اول بکسر دهند و بعضی تمام حروف عضو را بعضی را

بعد از ان نویسند بدین سند شکل اه شل ه که اه م و بعضی این

حروف را در میان اه نویسد چنین اش اش که ه ام باید که

هر یک طریق را بمثال اول بقدر امکان حروف ترکیب داده

بعضو بندند و ثقل باید و حروف سبع منفصله که بخواتیم موسوم اند بحفظ

مال و قلعه و انعام تبدیل چهارم ماه نوشته بر جدار یا در خانه یا خندق

نقش کنند و تعویذ اسب و غیره نمایند و در هر اسمی که این حروف

بیشتر بود اثر مضرت و بیوفائی از مسمی باید حروف ناری برای محبت

و جلب قلوب موثر است حروف هوائی در تسلیط عشق و جلب محبت

نطق و رفتن و غیره متصرف دانسته اند حروف مائی ببداوت

و فتوحات و اصلاح افات زراعت و غیره یافته اند حروف

ترابی بعقد نوم و عقد لسان و نزیف و تخریب اباد و الخ و غیره

یافته اند حروف ترابی سفری دیده اند ایضا در اصطلاح جفوب

ت ث ن ک ط ظ لا اینها را الف نامند پس این حروف

فرع الف اند ط ظ مغروره گویند ج را معروف گویند ح را عمیا گویند
خ را نکته گویند مهمل را محفوظ گویند ع غ را گویند را معروف و ص را ه
منکره ن س ش ص ض و ض ق را نون گویند م ه را میم گویند م معروف
ه منکره ایضا در اصطلاحات حروف در علم تکسیر و جفر و تصرفات
بدانکه حروف هر عنصری را چهار قسمت کرده اند و در هر نام نهاده اند
دو حرف به درجه داده اند و یک حرف آخر بدرجه تابع نهاده اند
تا باعتدال حروف اسم طالب و مطلوب راست آید و بهر درجه
حاجت ظهور باید بدین نوع اثبت ایضا تصرفات حروف طبایع
و اهل فن یافته اند دریابد حرف الف برای تالیف دل و گرمی
محبت در وقت طلوع درجه اول حمل بر تخته سرب ایضا الف بنویسد
و بخور عود کند و در زیر آتش دفن و نیز گفته اند اگر هزار الف
در وقت مذکور یا در وقت طلوع عطارد در ساعت مسعود بنویسد
و بخوردن از زر و صاحب او را در سینه حفظ آید حرف البا برای ضد
اعمال الف در وقت طلوع ت نزدهم دقیقه از اول درجه دلو راست
خر و بخور کند حرف الجیم عقد اللسان وقت طلوع سیم درجه سنبله بر کاغذ
دایره بکشد و هفده جیم بر محیط بنویسد و نکوس بخور کند و ...

باشند

باشند نعبد ... دایره در موم گیرد و در زیر خاک دفن کند حرف الدال
هم ضد الف است در وقت طلوع چهارم درجه جوزا نه دال بر تخته
سفید نوشته در مهر آب بیاویزد و بخور باشنه کند حرف الها محبت را
ست در وقت طلوع پنجم درجه ثور شش ها ابو بنویسد و با هفت
دانه پلپل در سنگ پیچیده در موم گرفته در آستانه مطلوب دفن کند
و عنبر بخور کند حرف واو محبت راست در طلوع شمس در درجه اسد دوازده
واو بر تخته مس نویسد و در آتش دفن کند و به بیده بخور کند
حرف زا عقد الرجال است و آنچه بران ماند در وقت طلوع هفتم
درجه جدی چهارده هزار بر کرباس بنویسد و پیچیده بر گنبد و کافور
سفید در گل گرفته و در ته چاه دفن کند و به پوست نارنج بخور کند
حرف حا عقد النوم راست در طلوع هشتم درجه جوزا ث نزده حا
بر تخت خام نویسد و شب بالای آتش نهد و به پوست بادام بخور کند
حرف طا ضد اعمال الف است در وقت طلوع نهم درجه عقرب
نوزده طا بر برگ اسفندار بنویسد و در آب چاه اندازد و حب
اللسان بخور کند حرف البا محبت راست وقت طلوع دهم درجه
قوس بیست یک یا بر پاره حریر بنویسد و فتیله کرده بروغن زیت

بخور و زد و ببندد بخور کند حرف کاف عقد اللسان را است در وقت طلوع
جوزا در بیستم درجه چهل کاف در کاغذ نویسد و بپیچد و در زیر زبان
گیرد یا زیر زمین دفن کند و بقسط بخور کند حرف لام محبت راست در وقت
طلوع قوس بیست درجه هشت لام بر سفال آب نرسیده نویسد زیر آتش
دفن کند و بصندل بخور کند حرف میم محبت راست در وقت طلوع چهاردهم
درجه جوزا دوازده میم بشنگرف بنویسد و باسپند بخور کند حرف نون
بر محبت راست در وقت طلوع اسد بدرجه اول پنجاه دقیقه هشت
نون بر کاغذ نویسد و بروغن زیت و فلفل و عسل در شیشه کند و در
شیب آتش نهد یا دفن و لنگر بخور کند حرف سین عقد اللسان راست
در وقت طلوع درجه جوزا نه سین بر تخم مرغ نویسد و در خاک
دفن کند و بلوبان بخور کند حرف عین محبت راست در وقت طلوع
اسد یکدرجه و ده دقیقه چهار عین بر تخته نحاس نویسد و در آتش
دفن کند و بصندل بخور کند حرف فا عقد الرجال راست در وقت
طلوع یکدرجه و هشت دقیقه سنبله نه فا بشنگرف بنویسند
و در گور کهنه دفن کند و بفلفل بخور کند حرف صاد عداوت را شاید
در وقت طلوع عقرب یکدرجه و سی ثانیه بپوست قنفذ نود صاد

بنویسد

بنویسد و در آب اندازد و بصوف خوک بخور کند ایضا برای هلاک عدو
بوقت مذکور بر پوست شیر دایره بکشد پیرامون دایره اشقار صاد
بشنگرف نویسد و در درون دایره دوازده صاد و میان دایره
صورت عدو و قف افتاده بنویسد و صورت دیگر بر سینه او نشسته
کارد بدست چنانکه او بکشد بنویسد و نام او و مادرش بر صورت
افتاده بنویسد بر صورت نشسته نام عزرائیل نویسد و در بازار قصابان
که ذبح میکنند دفن کند در اندک روز عدم شود حرف قاف
ایضا ربع ۳۲ ۹ و بعدد اول میشود و در ظرف آفتاب یا در زیرش
سدا و دل سردی را شاید در وقت طلوع دلو اول درجه چهل
دقیقه بیست قاف بر کاغذ کبود بنویسد و در جمر بیاویزد
و بصفه بخور کند حرف الرا عداوت راست در وقت طلوع عقرب
بیست درجه هشت دقیقه نه را بر تخته کهنه نویسد و بطرف آب
اندازد و بعود بخور کند حرف شین هم عداوت راست در وقت
طلوع عقرب به پنج درجه و ده نه شین بر کاغذ نویسد و در آب
اندازد و بافیون بخور کند حرف التا زبان بندی را شاید در وقت
طلوع جوزا به ۶ درجه و ده دقیقه بر سفال آب نارسیده ۳۲ تا بنویسد

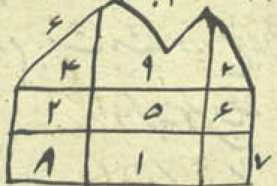
در زیر خاک دفن کند و زعفران بخور کند حرف الثاء ضد اعمال
در وقت طلوع عقرب بالشتم درجه نه تا بر کاغذ نویسد و بموم گرفته
در آب چاه اندازد و بکافور بخور کند حرف خاء عداوت را شاید
در وقت طلوع دلو به درجه و چهل دقیقه بر حریر نویسد و در جای
باد بیاویزد بخور کند حرف ذال دل سردی را شاید در وقت طلوع
عقرب بر سفال آب نارسیده پنجاه ذال بنویسد و در آب چاه
اندازد و با سپند بخور کند حرف ضاد دل سردی را شاید در وقت
طلوع عقرب بر یازدهم درجه نیز ضاد در سفال بنویسد و در آب
اندازد و بخور کافور کند حرف ظا عداوت را شاید در وقت
طلوع نهم درجه بیست ظا کاسه نوشته با آب بشوید و با شنبه بخور
حرف غین هم عداوت را شاید بطرز مذکور لهذا تفرقات

تمت

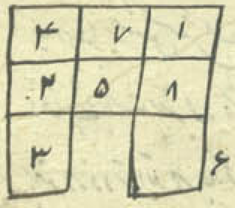
بسم الله الرحمن الرحیم

ورق علده عدد در عدد حکما این عدد را عدد مسدس گویند چون آفتاب
در شرف باشد   بنگارند هر که با خود دارد در نزد حکام و سلاطین
معزز و مکرم باشد و در شجاعت اثر عظیم دارد و معاش بر دارندگا
این شکل است اگر در بعضی این شکل را مؤلف القلوب اند و بعضی
از منسوب با آفتاب و بعضی بمشتری و بعضی بزحل کرده اند اما
حال چون آفتاب در شرف باشد و اگر شرف مشتری گفته اند
برنگ زعفران بر ورق سفید نقش کرده و در عتیقه بندد و در
شجاعت بیفزاید و در نظر مردم با هیبت باشد و در فتح بردی
دیگ ده بزد و از مار و گژدم   و اگر جهة عروس ساعت
ساعت زهره بنویسد   و اگر خواهی که غایب را
بیاوری بر پشتش مس ساعت آفتاب بنگارد و اگر در روز
آفتاب باشد بهتر بود و پشتش را موم در زیر آتش دفن کن
بهتر و زودتر آید هر جا که باشد قرار و آرام نگیرد و اما طریق

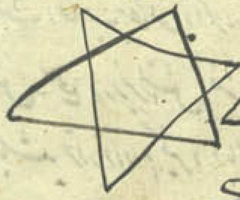
مقرر است که عدد از عددهی مثلث باشد یکعدد جزو فرد و دوم و در نصف
ضلع آن سه است ضرب کنیم ۱۱۱ شد و عدد مثلث هست لاچون
خواهیم که اسم را مسدس وضع کنیم   در خانه اول را آوردیم
بنظم طبیعی تمام کنیم اما مسدس را پنج کسر باشد اول را در خانه سیوم یکم
بیفزایند و تمام کنند و اگر دو باشد کسر باشد یکعدد در خانه
بیت پنجم تمام بیفزایند و اگر سه باشد در خانه نوزدهم بیفزایند
و اگر کسر چهار باشد یکی بر خانه سیزدهم بیفزایند و اگر کسر پنج باشد
بر خانه هفتم بیفزایند و تمام کنند   کاه دفع صداع محبوس

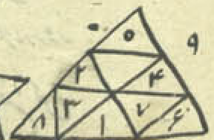


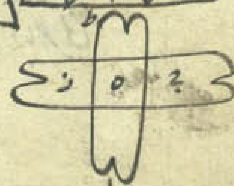
۲	۹	۴
۷	۵	۳
	۱	۸



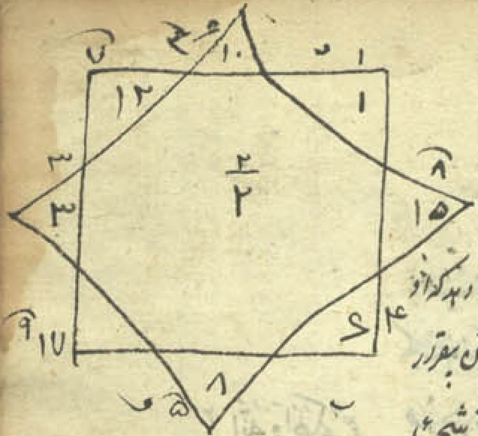
مثلث هندی





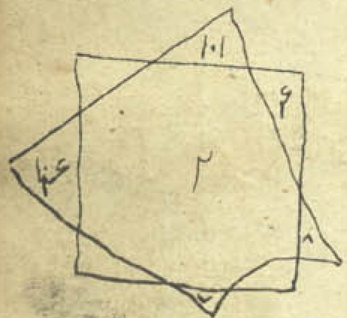


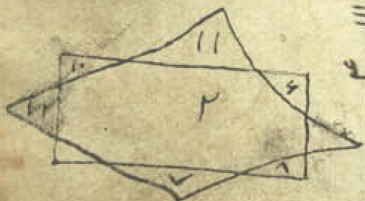
فایده



فایده ۷ مرتبه این آیه را بر سیب سرخ بخوانند و بمحبوب دهد که او
ببوید و یا بخورد و یا شکر بخوانند و بمحبوب بخورانند آن بیقرار
و بی آرام گردد فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء
کل شیء والیه ترجعون   فایده من اراد ان یتخذ
دراهم من القرطاس فلیصم ثلثة ایام ثم یقطع القرطاس مائة قطعة
ولا یزید ولا ینقص ویضع تحت فراشه ویقرأ علی البتی مائة
مرة ویدخل بیت خال لیس فیه غیره ویقرأ قل اوحی الی بوضوء
واحد مائة مرة یتبدل القرطاس باذن الله تعالی فمن شک فقد
کفر   دعای مهر حضرت سلیمان و بلقیس هر که این طلسم را
بنویسد و با خود دارد هرگز تنگ دست نشود و هیچکس بوی بدی نتواند کرد







باب بطریق مطهرست که در سطر اول در هر خانه کلمه بنویسد در هر
یک خانه دیگر تابع اند که عدد در زیر بکشند و تمام شود بطریق نظم
طبعی اما خواص اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ ٢ اِنَّهُ وَالِهُکُم نسخه
الرَّحِيمُ اینست هر چون در شرف آفتاب در مسدس بنگارند
بر دشمن غالب آید و در نزد مردم با هیبت باشد و سحر کار نکند
و هر چند راه رود مانده نشود و جذب القلوب او را حاصل شود
براین شال دایره بکشند

باب دیگر اسم المتعال
بر کشند چون در نزد مردم
و بزرگان حاجت داشته باشد
بساعت سعد نوبت در مجلس بخوانند
در میان خوانندن سخن بگوید به متوجه بان نام شود مقصودش بر آید اینست

باب دیگر
اسم حی و قیوم از بزرگان
اسم اعظم دانند
چون بساعت شمس
دیگر

٥	٣٣	٢٣	٥٥	٣٠	٢١	١١
٤٢	٢٥	١٥	٤٧	٣٧	٢٠	٥٩
٣٤	٢٤	٥٦	٣٩	٤٩	٢١	٥١
٢٦	١٦	٤٨	٣٨	٢١	٥٣	٤٣
١٨	٥٧	٤	٣	٣١	٥٣	٣٥
١٧	٤٩	٣٢	٢٢	٥٤	٤٤	٢٧
٥٨	٤١	٣١	١٤	٤٦	٣٦	١٩

وقتیکه قمر ناظر آفتاب در مسدس بنگارند و با خود دارند در میانه
خلایق با هیبت باشد با آسمانها بر آید و باید که در هر کدام ملاحظه
وقت نماید تا عمل موافق آید که ٧ در ٧ شرف عطارد است
اگر بنگارند و با خود نگاه دارند در حافظه اثر عظیم دارد و هر چه
فراموش کرده باشد بیادش آید هر که این شکل را با خود
دارد در نزد وزرا و ارباب قلم عزیز و محترم گردد و شعرا
و فصحا این شکل نگاه داشتن منفعت دارد و اگر این شکل
بنویسد بنام کسی و در آب حل کند و بخورد آنکس را مطیع
و فرمان بردار شود اما باید که در وقت و روز عطارد بکشند
تا اثر دهد والله اعلم طریق کشیدن مخمس در ٧ اینست
٧ در ٧ چهل و نه باشد یک عدد بر او افزودیم پنجاه شد
و در نصف ضلعش ضرب کردیم ١٧٥ شد چون خواهی عدد
٧ در ٧ بنگاری که بیش از این عدد باشد این عدد را
از آنجمله طرح کن و آنچه بماند هفت قسمت کن یک قسم در خانه

در خانه اول در آور تمام کن شکلش هرگاه ۴۵۵ ۳ است ۱۷۵
از و طرح کردیم باقی ماند یک بر وی افزودیم پانزده شد در خانه
اول تمام کردیم بدین طریق شکل آن بوده نموده شد تا ب
سه در سه بدانکه هر عددی را کمالیت و کمال ۹ چهل پنجست
زیرا که ۹ تا در ۹ ۴۵ باشد و این عدد اسم آدم علیه السلام است
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خواص ۳ در ۳ که
وزن اهطِ ججذٍ حروف وفق العدد است و باید
که برای فتوحات ابتدا از فوق کند و جهة تفریق از زیر و جهة
محبت از یمین و جهة خروج از تحت الصورت نظم طبیعی تمام کند مثلا از جهة
فتوحات از دوم و محبت از چهارم و جهة تفریق از ششم و جهة خروج از هشتم
ابتدا کند که منتهی میشود والله اعلم بالصواب

٢	٩	٤
٧	٥	
٦	١	٨

٣

٢	٧	٦
٩	٥	
٤	٣	٨

١

	١	٨
٧	٥	٣
٢	٩	٤

٦

٨	٣	٤
١	٥	٩
٦	٧	٢

٤	٣	٨
٩	٥	١
٦	٢	٧

هوائی

خواص اول چون بر پاره سفال آب نرسیده بنویسد و حلقه یکی بر زانوی راست
و یکی بر زانوی چپ و یکی بر پشت در ساعت از تعب زندان نجات
یابد و اگر بنام کسی که گریخته نویسند بنام وی برابر عدد پنج نویسند
و در محل خوابگاه او را دفن کنند و سنگ گران بر بالای آن
نهند متحیر شود و باز گردد روز دوشنبه بساعت قمر این شکل انگارند
محبوس را دهد تا شب پای خود دفن کند بروزی خلاص یابد
و اگر چهار وصله کاغذ نویسند هر یک بر کوزه آب نرسیده نهند
در چهار گوشه کشت زار ملخ از آن موضع دفع شود و اگر بنگارند
آیة الکرسی بحروف مقطعه در حوالی آن نویسند و بآب بشویند
و از آن آب هر خود بشوید سحری بر وی کار نکند و اگر سحری کرده باشند
باطل میشود و اگر کسی را بسته باشند همین نمایند که موثر است چون
قمر در شرف باشد تحت الشعاع نباشد با کواکب سعد ناظر باشند
نظر دوستی بر پوست آهو نوشته هر که با خود دارد هیبت
مه رت حص یی رش ی ادی بن لح م دکرمان هجی

خواص لوح که [illegible] از دعا و در دو [illegible]
[illegible] و جهة [illegible]
[illegible]
خوف [illegible]
و دفع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و دانستن [illegible]

عدد سوره نوح ۷۵۳۳۳	عدد اذا زلزلت ۱۶۷۴۰۱	وعدد القارعه ۱۲۶۶۸
عدد فی قلوبهم مرض ۳۳۹۲	عدد جعلنا من بین ۳۳۵۹	عدد تکاثر ۱۰۳۸۷
عدد تبت ۵۸۲۶	عدد الم تر کیف ۴۲۲۱۶	عدد یا قاهر ۳۶۴۸
عدد اذا رمیت ۲۴۳۶	عدد القینا ۳۳۳۷	عدد سوره روم ۲۷۵۱۱۷
عدد الحاقه ۹۷۸۳۱	عدد من اظلم ۴۱۸۲	عدد شمس ۷۸۸
عدد درود ۱۱۴۹	عدد کلمه طیب ۶۲۲	عدد حروف نورانی ۶۹۳
عدد سوره فاتحه ۹۴۶۴	عدد آیة الکرسی ۱۴۰۰۸۰۲	عدد لو انزلنا ۱۹۴۵۱
عدد الله نور تا آخر علیم ۶۹۳	عدد نصر من الله ۴۰۸۰	عدد من خلق الله ۶۳۸۴
عدد الم ۵۴۶۶	عدد الغیب ۵۶۸۶	عدد انه تا قدیر ۹۰۳
عدد فکشفنا عنک ۲۲۰۷	عدد رب اشرح ۲۸۶	عدد الیوم اکملت ۳۲۰۵
عدد سوره نشرح ۱۲۴۱۶	عدد سوره تکاثر ۱۰۳۸۷	عدد سوره فلق ۱۰۳۸۷

۹۶

عدد

عدد سوره قریش ۶۰۶۵	عدد سوره ماعون ۹۲۱۴	عدد سوره کوثر ۲۸۵
عدد سوره کافرون ۳۸۳۲۰	عدد سوره نصر ۶۱۲۶	عدد سوره لهب ۵۸۲۶
عدد سوره اخلاص ۱۰۰۴	عدد سوره فلق ۸۶۷۷	عدد سوره ناس ۵۲۹۷
عدد کلمه تمجید ۲۲۳۹	عدد یا خفی الالطاف ۲۸۳۳	عدد اللهم الرحیم ۴۳۴۶
عدد قد شغفها تا مبین ۲۹۰۲	عدد اللهم انت ... ۲۳۰۱	عدد هو الرحمن الرحیم ۳۴۹۱
عدد اللهم سخر ۸۶۲۴	عدد اللهم ارزق ۹۰۱۵	عدد اسما جلب یک اسم ۳۶۴۹
عدد نوره تمام ... ۹۴۳۳۲	عدد ... ۳۷۳۱	عدد نورانی ۱۲۴۲
عدد نوره کشکوة ۱۵۲۶۸	عدد ویل لکل ۹۱۷۳	صح

٧

باب اگر برای کاری رود و این نقش را نوشته در گردش راست نبنده



و برود مقصود حاصل گردد

باب تفریق ب عت

نوشتن سرکه و نیل باشد و قلم را بوی پیش تراشد و در وقت

شکافتن قلم بگوید که شق القلم من العل البعض فلان بن فلان

در چشم و بر دل فلان ابن فلان در باب بدی او و در وقت

نوشتن چیزی تلخ در دهن گیرد و در وقت نوشتن با احدی

حرف نکند و کدورت بسیار داشته باشد اینست

باب طریق مثلث

طرح ١٢ اکسرا در ٧ ما

در چهار طریقه طرح مربع

٣٠ کسرا در ١٣ و در ٩

١٠٥١	١٠۴۶	١٠۴١	١٠٠٣
١٠۴٠	١٠٠۴	١٠٥٠	١٠۴٧
١٠٠٥		١٠۴۴	١٠۴٩
١٠۴٥	١٥٨	١٠٠۶	١٠۴٢

١۴٢

سه در ٥ طرح مسدس ٥ اکسرا در ١٣١ و ٢٥ و ٣

در خانه ١٩ چهار در خانه ١٣ ٥ در خانه ٧ اینست

اینست

اینست

٧	٢٢	٥	٨	٢٣
۶	١٢	١١	١۶	٢٠
٢٥	١٧	١٣	٩	١
٣	٢	٢١		١٩

١٨

۴

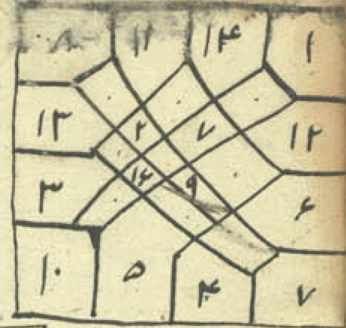
	٣۴	٣٢	٣٠	١٠	١
٢	١٨	٢١	٢۴	١١	٣٥
٩	٢٣	١٢	١٧	٢٢	٢٨
٢٩	١٣	٢۶	١٩	١۶	٨
٣١	٢٠	١٥	١۴	٢٥	۶
٣۶	٣	٥	٧	٢٧	٣٣

اگر کسی چیز داشته باشد این عدد فا ترا نوشته در دست گیرد از هر کس که خواهد

حاجتش بیابد

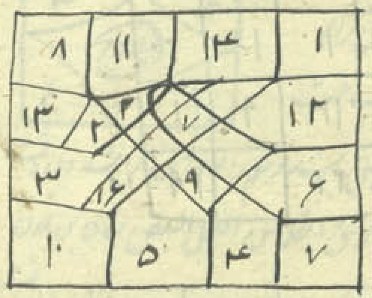
٩١٩٧.۴٩ ۴ شه ه مع ٤٧ ٤لاع ۴ لاع

١٩٩٠٦ ٣٧٠٠٤٥٠٣۶



طریقه وحفه باخته ثبت

طرح مربع ثبت



٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

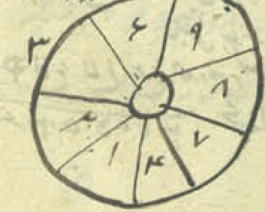
کنبه حضار بروغن زیت وعسل ازهر یک ۵ کرد وارشنبه بخورانند

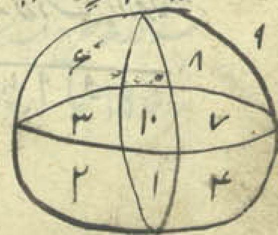
و ان کل لما جمیع لدینا محضرون

غ	ب	ص	ج
٨٨	٥	٩٨	٤
١٧٦	٢٣	٣٩٦	٩٩٦
٣٩١	٩٩٣	٩	٩٢

و ان کل لما جمیع لدینا محضرون ٦٢

طرح ٧ در ٧
طرح ١٢٨ کسر یک
در خانه ٤٢ دو ٣٦
٣٩٣ چهار در
٢٢ پنج در ١٥ شش
در ٨ تمت





وبعد ابو



وعدد ابه دالفینا تا بنفنا ٢٦٢ ٢ این عدد را در این مثلث دربابت تربیع مربع با زحل باانکه قمر در منزل قلب باشد در عداوت بسیار خواص دارد

٤		٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤		٢

٦	٧١	٢
١	٥	
٨	٣	٤

٢	٢	٦
	٥	١
٤	٣	٨

منقولست از اکابر که نقوشه نام ملک علام از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در ورق مربع نگاشته واینی و فوق طهورات هارعمل اوست و خواص این مربع که آفتاب در شرف باشد این مربع را بسنگ رنده بر صفحه نقره یا کاغذ در رنده این

این مربع عزیز باشد بنظر سلاطین و بزرگان و محفوظ باشد از شر ظالمان
و از جهة صحت بیماران و در همه کارها اثر دهد و اتفاق در مربعات و وفق
هر ضلعی ۹۴۳۲ و مجموع اضلاعش ۳۷۷۲۶ عدد است حامل
باید با طهارت باشد و همیشه مداومت نماید مرتضی بن احمد

			هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن

۸	۱۱	۱۴	۱
الفتاح العلیم القابض الباسط المعز الاول الواقع ۱۳	المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق ۲	العزیز الجبار المتکبر الخالق الباری السمیع الهادی ۷	هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن ۱۲
العظیم المنتقم الحق القوی المبدی الحمید الحی المحی الواحد الاحد ۳	الحمید المقیت الواحد الوالی البدیع النافع ۱۶	المذل الآخر البصیر النور ۹	الحافظ الحسیب المحسب الواسع الحلیم المقسط الصمد ۶
الخبیر الوارث البر المقدم الباطن المحصی ۱۰	الحفیظ المقتدر الرؤوف الباقی اللطیف ۵	الشکور الکریم الودود الباعث المؤخر ۴	الغفور القادر الوکیل القیوم المنعم الکافی ۱۵
الکبیر المتعال المانع الماجد الغنی مالک الملک ذو الجلال والاکرام	الممیت الظاهر الجامع التواب	الضار المغنی الحکیم الحلیم المعدل	الغنی الرقیب الرشید الصبور

اگر خواهی

اگر خواهی میان دو کس دشمنی اندازی نام هر دو و مادر هر دو جمع
کن و این عدد بیفزا ۵۲۲۲۱ و در مربع بنه با این عدد و بعد از آن
در جای که آب از آن خورند بیندازند اینست

فصل در خواص پنج در
پنج چون زهره در شرف
باشد بطالع حوت
این شکل برکشند در
مودت و جذب القلوب

۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	

۲

اثر عظیم دهد اگر بر لوح از مس بنگارند یا بحجر منسوب بزهره آن
هر کس با خود دارد در جذب القلوب مردان و زنان او را
حاصل شود و چون خواهند که تفرقه در میان دو کس واقع
این شکل را بنگارند چون قمر مربع یا مقابل بزهره باشد
که اثر عظیم دهد و اگر بر لوح از مس بنگارند وقتی که زهره در ۲۷
درجه حوت باشد یا در چهار ده درجه میزان و قمر ناظر بزهره بود

بشک زعفران و باب حل کنند بخورد هر کس کرا به محبت عظیم
بفعل آرد و اگر بزن و شوهر دهند محبت عظیم و دفع مخالفت
گردد و جهة عقد الالسان موافق بود و اگر بطالع عقرب
برکشند یا طالع دلو یا قمر ناظر بتربیع زهره و مریخ و یا زحل
یا مقابله بود نام دشمن و در مرکز نهند و جهة منت دمی قیمت
کنند دشمنش مقهور گردد و اگر در خانه دشمن دفن کنند
ویران شود و اگر مریخ در عقرب باشد و ماه در سرطان
این شکل برکشند و به خود نگهدارند شجاع و دلیر گردد بنوعی
که هیچکس بروی غالب نیاید سه روز بامداد روی خود را
بدان بشوید و بعد از سه روز کث ده شود رنفرمان خدای تعالی
زنهار شک نیاورد تا مطلوب حاصل گردد نسخه بدل

نوع دیگر بستان پاره حریر سفید
و نام هر دو حساب کرده ۴۱۲ عدد
اضافه کن در شب دوشنبه بنویسد

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۲	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

دوم در ... فصل

فصل اول در محبت چون خواهد کسی را محب خود گرداند چنانکه
یک لحظه بی او قرار نگیرد نام او و مادرش و نام خود و نام مادر خود
حساب جمل گرفته ۱۵ بر او اضافه کند که در بن عدد از اسرار
الهی سند جست و مجموع بطریق وفق به همین شکل در مربع است
درج کند اما می باید در ساعت اول روز یکشنبه ساعت ۸
در تسدیس آفتاب با قمر بنویسد و در ان ساعت گشته با عود
بخور کند و در همان ساعت در محبه و بقدر موم گیرد در مجلس
عشرت سوخته باشد و اگر این عمل از بهر مرد کند بر بازوی
راست و اگر زن باشد بر بازوی چپ و اگر بر کاغذ زرد
بنویسد بهتر باشد اینست

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

و دیگر بنویسد در روز جمعه بوقت
طلوع آفتاب بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ زرد و با گیرد
اعداد اسامی طالب و مطلوب و مادر ایشان گرفته ۶۲ بر او اضافه

کند و در موم عودی گیرد و فلفل بخور کند و با خود دارد و بشرط که مرد
طالب بر بازوی راست و زن بر بازوی چپ بندد انکس از محبت
بیم آنست که دیوانه باشد ختم

۴	۱۵	۱۴	۱
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۱۶	۳	۲	۱۳

و دیگر بنویسد
در روز دوشنبه بساعت آفتاب
بتثلیث با زهره و قمر در قوس باشد اسامی را بحساب جمل بگیرد
هر سه اعداد ۴۳۲۵ عدد بر او اضافه کند بر ورق آهو برنگ
و زعفران و گلاب بنویسد و در وقت نوشتن قدری عود
و لادن بخور کند بشرط مذکور نگاه دارد تا مقصود بر آید
ایضا بنویسد بوقتی که قمر در اسد باشد و شمس در نظر تثلیث
بری ناظر بوقت طلوع شمس و بر سر اعداد اسامی ۴۶۶۴ عدد
۳۶۴ اضافه کند و بشرط مذکور بجا آورد و در وقت کتابت
صندل و لادن بخور کند ختم
و در موم عودی گرفته با خود دارد

۸	۱۴	۱۱	۱
۳	۹	۱۶	۶
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵

ودیگر

و دیگر بنویس بوقتی که قمر با سعد بین شود و از نحسین ساقط اسامی را بحساب
نموده ۵۴۱۴ بر او اضافه کند بخور عود و عنبر نگاه دارد بشرط مذکور
نگاه دارد بطریق مهربان شود که یکدم صبر نتوان و اگر وقتی که شمس
در شرف باشد در نگین انگشتری بنام مطلوب ۰۰۶۰ عدد دیگر
اضافه کند و انگشتر را بدست کند مقصود حاصل شود و اما باید
انگشتر را پاک نگاه دارد که اسم اعظم جناب حق سبحانه و تعالی در
ختم

۴	۱۵	۱۴	۱
۹	۶	۷	۱۲
۱۵	۱۰	۱۱	۸
۱۶	۳	۲	۱۳

فصل چون خواص درجات
و خطوط کواکب و منازل قمر نموده شد در خواص ساعات سخن
چند گفته شود از قول بطلمیوس حکیم هرگاه که قمر منصرف باشد از سعدی
و متصل باشد بسعدی دیگر در این میان هرگاه از اعمال خیر هرچه
خواهند بکنند و هرگاه منصرف از نحس و متصل باشد بنحسی بکنند
از اعمال شر هرچه خواهند و حکما این اختیارات کرده اند که هرچه

که هرچه خواهند کنند ودرین ساعات بعمل آورند چنانکه هرگاه خواهند
عمل عشق ومحبت کنند بساعت زهره کنند واگر بجهة آن کنند
که همه خلق اورا دوست دارند وقبول کنند اندر روز زهره کنند
بساعت عطارد واگر تعظیم واجلال خواهند درمیان خلق
باید که اندر روز آفتاب کنند که ساعت زهره یا ساعت قمر خالی
باشد که می باید واگر ازجهة شر سلطان کنند در روز شمس کنند
که ماه مسعود بود در ساعت مشتری اگر خواهند که اورا از نزد سلطان
ونزدیک خلق هیبتی وخوفی باشد در روز مریخ کنند واگر از بد
که زن ومرد اورا دوست دارند وهرچه از ایشان بخواهد
مضایقه ننمایند در روز زهره کنند ساعت مریخ واگر خواهند
دل کسی را از عشق خود بسوزانند در روز مریخ کنند ساعت
زهره واگر خواهند کسی را بکشد اندر روز قمر کنند ساعت
مریخ واگر ازجهة آن کنند که در خصومت غالب آید اندر روز
مریخ کنند ساعت زحل واز برای اولاد بنویسد

دیگر آن

دیگران بیاورید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین
آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا لعلکم تفلحون
کهیعص ذکر رحمت ربک عبده ذکریا اذ نادی
ربه ندآء خفیا قال رب انی وهن العظم
منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب
شقیا وانی خفت الموالی من ورائی وکانت
امرأتی عاقرا فهب لی من لدنک ولیا یرثنی
ویرث من آل یعقوب واجعله رب رضیا یا
زکریا انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل
له من قبل سمیا یبشر الله عبده فلان بفلانة اسم
محمد صلی الله علیه وآله من زوجته فلانة بنت فلان
بحق هذه الآیات العظام وبحق محمد صلی الله
علیه وآله الطیبین الطاهرین المعصومین الی یوم الدین.

الهی بحق شیخ دین معروف کرخی که دربان علی موسی
الرضا بود و در عقد نظرات اگر خواهی نظر کسی را ببندی
که بغیر از تو کسی را نه بیند باید که نظرها در عقدهای مسعود نگاه
دارد و سعی که باین عمل کند مناسب ساعت عطارد و ساعت
زحل است بستان پاره کاغذ و نام هر را حساب کرده ۱۰۹
عدد بر او اضافه کند و بطریق وفق بنویسد روز سه شنبه
در سوم که در کار نظر موده باشند و در آب که از گرما بیرون
بیاید و در الوقت بگوید بستم نظر فلان بن فلان را عن
فلان بن فلان تا نظر کند که مجربست

۶	۳	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲
۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶

نوع دیگر دوم بستان پوست حمار
در روز ۴ شنبه ساعت عطارد
و نام هر را حساب کن و بر اعداد ۲۱۹ اضافه کن در تنها
آنکس دفن یا در راهگذر نظرش بغیر از تو کسی بسته گردد مجربست
نوع سیم بنویس بر پوست گرگ و در روز چهارشنبه بر سر اعداد

۲۴ عدد را اضافه کن و در آبی که از گرما بیرون می آید دفن کن مجربست

۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷
۱۱	۶	۳	۹
	۱	۸	۱۴

نوع دیگر چهارم بنویس بر پوست روباه
بر سر اعداد او اضافه کن و در گور کهنه
پنهان کن دفن یا در دود بگذرد آنکس که در
عقد اهل نظر نظر ندارد

۴	۱۵	۱۲	۵
۹	۴	۳	۱۶
۷		۱۳	۲
۱۳	۱	۸	۱۱

نوع دیگر پنجم بنویس بر کاغذ
پاکیزه چهارده در شب یکشنبه
در ساعت عطارد بر سر اعداد و اسامی ۱۱ عدد را اضافه کن در شکم ماهی
تازه نه و در گورستان کهنه جهود ان دفن کن نهایت مجربست

۲	۱۳	۱۶	۳
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
	۵	۴	۱۵

۱۲

نوع دیگر دوم از عقد الطریق بگیر پاره
کاغذ در روز یکشنبه ساعت و بر سر
اعداد ۴۵۵ عدد اضافه کن و بنویس
در زیر سنگ گران نهند و در وقت نوشتن هفت مرتبه و نفخ
فی الصور فاذا هم تا محضرون بخوانند و بخور سندروس در آتش

[illegible]	[illegible]	[illegible]	٥
٩	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	٥
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

نهند و از روی نیاز نذر طلب کن و دیگر در ساعت پنجم که از شب
یکشنبه بگذرد و این عدد را ج ۹۵ عدد اسم آن شخص را در مربع برد
سند روس و مقل ازرق بخور کند و نوشته را با پاره عود و عنبر
و مقل ازرق در موم کار نفو موده و در زیر سنگ گران نهند یا در چاهی
که آب از آنجا بکشند بیندازد که بفرمان خدای تعالی بسته گردد و
هیچ جا نرود و آن کس را هیچ وجه سفر میسر نشود

	۵	۱۰	۹	۸
	۱۶	۳	۴	۱۳
	۴	۱۵	۱۴	۱
۹		۶	۷	۱۲

۳	۱۴	۹	۶	
۱۰	۵	۴	۱۵	
۹	۱۱	۱۴	۱	
	۲	۷	۱۲	۱۳

نوع بیاورد پاره کاغذ و نام او را حساب کرده بر سر اعداد
۴۵۵ عدد اضافه کند و در روز چهارشنبه دوم ساعت
بخورد و بچهار پاره دهد طریق آن کس بسته میشود چنانکه هیچ طریق نتواند
رفت ان شاء الله تعالی مربع است مجرب نوع دیگر بیت آنکه در شب
یکشنبه و بر سر اعداد ۱۹۵ اضافه کند و در وقت کتابت عود

دسنه روس

دسنه روس و مقل ازرق بخور کند آنگاه نوشته را در موم کار نفو موده
گیرا با قدری از مقل ازرق و عنبر و پاره زه کمان بندد آن بر دو پیچ
و در کمر یا پس ناشسته پیچ و در زیر سنگ گران نه یا بر سنگها بندد
و یا در چاه اندازد که از آنجا آب بکشند فصل در فتح الرجال اگر مردی را
بسته باشند و خواهی که بگشایی اول ساعتها را و روزها را باید
دانست تا کار بمراد آید روز شنبه دهم و نهم و هفتم و شب یکشنبه
و شب دوشنبه هشتم و شب سه شنبه و شب چهارشنبه و پنجشنبه شاید
از بروج آنچه شاید حمل و جوزا و عقرب نیک نور اسد سنبله
میانه سرطان و قوس نشاید میزان جدی شاید حوت نشاید
گرد از نظرها آنچه این کارها را باید کرد تثلیث و تسدیس
نیک است مقارنه و مقابله و تربیع نشاید اول لستان
پاره ورق آهو بنام آن کس که او را بسته اند بر سر اسامی ۶۳
عدد [illegible] اضافه کن و در روز جمعه بنویس و بر بازوی راست
بندد گشاده گردد نوع دیگر لستان پاره کاغذ در روز سه شنبه

و نام مادر را حساب کن و بر سر اسامی ۱۲۱ عدد دیگر اضافه کن و بنویس
بمشک و زعفران و به گلاب بشوید و بخورد کشته کرد و با دون اله
نوع دیگر بستان ورق آهو و نام مادر را حساب کن و بر سر اعداد اضافه
در روز جمعه بنویسد و در موم گیرد و در آب اندازد نوع دیگر بستان
پاره ورق آهو و نام مادر را حساب کن ۱۵ عدد بر وان اضافه کن
در روز سه‌شنبه با خود دارد مجرب است

۳	۱۶	۱۳	۲
۱۵	۵	۸	۱۱
۶	۰	۱۲	۷
۱۵	۴	۱	۱۴

۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
	۱۳	۱۶	۳

۵	۱۰	۱۱	۸
۱۶	۳	۲	۱۳
۴	۱۵	۱۴	۱
	۶	۷	۱۲

۹

۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵
	۱۳	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶

۳

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹		۲	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	

نوع

نوع دیگر بستان پاره حریر سفید و نام مادر را حساب کرده ۲۲۴ عدد اضافه
کن در شب سه‌شنبه بنویسد و در موم گیرد و بر بازوی راست ببندد
کشته کرد و با تن فتاده نوع دیگر بستان پاره حریر و نام مادر را
حساب کرده ۵۰۹ اضافه کرده در شب پنجشنبه بنویس و بر کمر ببندد
کشته کرد نوع دیگر بستان ورق آهو و نام مادر را حساب کرده
عدد ۱۱۶۵۹ اضافه کن و بر بازوی خود ببندد کشته کرد در
بفرمان خدا است

۵	۱	۸	۱۴
۱۰	۱۵	۱۰	۱۱
۹	۶	۳	۷
۳	۱۳	۱۶	۲

۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	

نوع دیگر بستان پاره کاغذ و اسامی را حساب کرده عدد ۵۵۴
دیگر اضافه کن در روز یکشنبه سیم یا ابریشم ساعت و در وقت نوشتن
عدد با خود دارد کشته پیش در کارها بدید آید در روی کشته شود
بار از تخم فصل در کشته پیش کارها اگر کسی خواهد که کارها بسته
او کشته شود باید که شرایط بجا آورد در نظرهای مسعود به ساعت نهار

ودر روزهای نیکو تا تأثیر به بود چون قمر در برج حمل شاید و ثور در نیمهٔ آخر
شاید جوزا سرطان قوس حوت بغایت نیکوست دلو و اسد
و عقرب شاید جدی شاید میزان نیمهٔ سنبله شاید باذن الله تعالی

۶	۹	۱۲	۷
۱۵	۴	۱	۱۴
۳	۱۶	۱۳	۲
۱۰		۸	۱۱

۷	۹	۱۲	۶
۱۴	۴	۱	۱۵
۲		۱۳	۳
۱۱	۵		۱۰

نوع دیگر لسان بپاره حریر سفید و نامهار احساب کرده ۱۰۰۱ عدد زیاده
کند و در روز پنجشنبه ساعت پنجم بنویسد و در موم گیرد که با وی مصلحتی نیز
و به بازوی راست بندد و هر حکمی که در آن باشد بزودی گشاده گردد
و رزق و روزی گشاده گردد بامر الله تعالی نوع دیگر بنویس بر ورق آهو
و در روز سه شنبه ساعت [illegible] و نامهار احساب ۲
کرده عدد ۴۰۰ اضافه کند و در وقت [illegible] بگیرد و با خود دارد گشایش
کارها و فتح ظفر برایش نه دارد باذن و رزق و روزی بر آمدن مهمات
نظیر ندارد و در گشایش کارها و فتح ظفر برایش و بر آمدن حاجات
و مهمات نظیر ندارد باذن الله تعالی نوع دیگر نامهار احساب کرده

۴ کتابت عود دارد
بخور کند و به موم کار نقش نموده

۱۹۵ عدد دیگر اضافه کن و بنویسد و در موم گیرد و در آب اندازد و هر
روز از آن آب بروی خود بشوید و بگذارد تا خشک شده و این بغایت
مجرب نوع دیگر لسان بپاره کاغذ پاکیزه بنویسد و در روز آدینه
و نامهار احساب کرده ۱۲۵ عدد اضافه کند و بر در دکان یا خانه
بچسبان یا دفن کن و منزل پیدا کرده نوع دیگر لسان بپاره مقل
از رزق و قدری موم کار نقش نموده و پاره [illegible] و در سر هر یک جدا جدا بکار
الحمد با بسمله بخواند و هر سه را خود بگوید و حب سازد و نامهار احساب
کرده ۶۳۱ عدد اضافه کند پس این لوح بنویس و این حب
بر کاغذ بپیچد و بر بازوی راست بندد و در رزق و روزی بروی گشاده
شود و برایش ظفر باید نوع دیگر پاره کاغذ اعلا و نامهار احساب
کرده ۱۷۶۳ اضافه کن در شب شنبه بنویس و در وقت نوشتن
عود بخور کند و بر آمدن مرادات و گشایش کارها و ظفر یافتن
برایش و دفع بلیات نظیر ندارد و مجرب و آزموده است نوع دیگر
بر حریر سفید در شب شنبه نامهار احساب که ۷۵۴ دیگر عدد اضافه

کسی که در شب چهارشنبه عنبر بخور کند و در وقت نوشتن در فتح و نصرت
برانگیزش و در رزق بر روی او گشاده گردد البته مجرب و آزموده است
من تصنیف ابومعشر بلخی در باب روزنامه بدان ای عزیز من
هر ساعت هر روز تعلق بکواکب سبعه دارد چنانکه بتفصیل مذکور
خواهد شد بموجب

یوم السبت

اول روز	نیم چاشت	نزدیک بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
زحل	مشتری	مریخ	آفتاب	زهره	عطارد	قمر

یوم الاحد

اول روز	نیم چاشت	نزد بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
آفتاب	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ

یوم الاثنین

اول روز	نیم چاشت	نزد بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
قمر	زحل	مشتری	مریخ	آفتاب	زهره	عطارد

یوم الثلثا

اول روز	نیم چاشت	نزد بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
مریخ	آفتاب	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری

یوم الاربعا

اول روز	نیم چاشت	نزد بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	آفتاب	زهره

یوم الجمعه

یوم الخمیس

اول روز	نیم چاشت	نزد بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
مشتری	مریخ	آفتاب	زهره	عطارد	قمر	زحل

یوم الجمعه

اول روز	نیم چاشت	نزد بهوا	نماز پیشین	میان دو نماز	نماز دیگر	افروزور
زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	آفتاب

اما بعد از معرفت اسامی فرشتگان که موکل مشهورند بدین نسق الظهور

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی
اغلائیل	انقموریائیل	طموئیل	پشمائیل

جمادی الاول	جمادی الثانی	رجب
فائیل	ططبل	رشطئیل

شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة
دمیوئیل	دهابل	الطائیل	فنهوئیل

ذی الحجه نام فرشتگان موکل ایام اسبوع بدین تفصیل است
الرئیل

یوم السبت	یوم الاحد	یوم الاثنین	یوم الثلثا
تدخائیل	بهلیل	دردائیل	نورائیل

بوم الاربعا   بوم الخمیس   بوم الجمعه   اما بعد فرشتگانی
اسرافیل   جبرائیل   میکائیل

که موکل ساعتهای شب باشند   ساعت اول   ساعت دوم
همرائیل   درداهوئیل

ساعت سیم   ساعت چهارم   ساعت پنجم   ساعت ششم
احمدیل   میططرون   محمائیل   کتائیل

ساعت هفتم   ساعت هشتم   ساعت نهم   ساعت دهم
معلوطس   ممرئیل   بوئیل   میلدئیل

ساعت یازدهم   ساعت دوازدهم   اما فرشتگانی که موکل
همرئیل   عزشئیل

شنبه   ساعت اول   ساعت دوم   ساعت سیم
مرمرئیل   سرمائیل   وسمائیل

ساعت چهارم   ساعت پنجم   ساعت ششم   ساعت هفتم
اهکوئیله   ملطهائیل   سمحائیل   قنوائیل

ساعت هشتم   ساعت نهم   ساعت دهم   ساعت یازدهم
همرائیل   الالئیل   همرائیل   دیاهوئیل

ساعت دوازدهم   اما بعد حق سبحانه و تعالی بر کواکب سبعه

سیاره

سبعه سیاره موکل چند موکل گردانیده تا مدت الجبال تا ثیرات کواکب
باشند و نام ایشان اینست   زحل   مشتری   مریخ   شمس
بائیل   بجرائیل   بهائیل   کلیائیل

زهره   عطارد   قمر   لا نام ملائکه بیت اینست
البعائیل   اشعائیل   لقوئیل

حروف   الف   با   تا   ثا   جا
اسرافیل   جبرائیل   عزرائیل   میکائیل   کلکائیل

حا   خا   دال   ذال   ری   زی
ملحائیل   محکائیل   دردائیل   اهرطئیل   اهرائیل   شرفائیل

سین   شین   صاد   ضاد   طا   ظا
همرکئیل   عطکیائیل   انحائیل   اسمائیل   لوائیل

عین   غین   فا   قاف   کاف
لوبائیل   لوبائیل   دردائیل   عطوائیل   حوزائیل

لام   میم   نون   هی   واو
طالطائیل   روبائیل   حولالائیل   دوزبائیل

لام یا نام موکلان بروج دوازده کانه حمل

رجائیل کلبطائیل شرجیل

ثور جوزا سرطان اسد سنبله

رجائیل سرائیل بهفائیل شرائیل لقبائیل

میزان عقرب قوس جدی دلو

مهائیل صرصائیل شمرائیل طهموت حلیائیل

حوت صحائیل فایده عزیزی را در ساعت مشتری یا زهره در اول

ماه بنویسد دشمنی را در ساعت مریخ و یا در حمل در آخر ماه

بنویسد و خواب بند و زبان بند در ساعت عطارد در میان

ماه بنویسد و تباهی را در ساعت زحل یا مریخ باب

فی الحب ساعت روزها که این عمل شاید اینست

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه

۵ و ۱۲ ۲ و ۶ و ۹ ۶ ۳ و ۱

پنجشنبه جمعه اما بعد در میان ساعات از جهه این

عمل که در شب ساخته بشود اینست شب شنبه شب یکشنبه

۴ و ۱۴۵ ۱ و ۸

ثر

شب ۲شنبه شب ۳شنبه شب ۴شنبه شب ۵شنبه

۹ و ۴ و ۱۰ ۱ و ۳ ۴ و ۵ و ۱۲ ۵ و ۷ و ۱

شب جمعه اما بعد در شناختن بروج دوازده کانه که عدد او

۲ و ۱

شاید و نث بد حمل ثور سرطان اسد

سنبله میزان عقرب قوس جدی

دلو حوت اما بعد دانستن احکام خمسه تثلیث

تسدیس تربیع مقابله مقارنه بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه ای عزیز من این کلام استادان عددی قرار داده اند بدین نوع

ب س م ا ل ه ر ح ن ی مجموع الحروف عدد این

۱ ۱ ۳ ۳ ۴ ۱ ۲ ۲ ۱ ۱ ۱

آیه زین للناس حب الشهوات ز ی ن ل ن ا س

۱ ۶ ۱۲ ۲۰ ۴۳۸

ح ب ش ه و ا ت م ق ط ر د ف ض خ

۴ ۴ ۱ ۴ ۱۰ ۶ ۹ ۲ ۲ ۲ ۳ ۲ ۱ ۱ ۱

ع ث ک د الحروف المرکبة مجموع الحروف عدد این

۳ ۲ ۱ ۱ ۲

۱۲۵۰ ۹۱۵۸

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم ويغفر ذنوبكم

والله غفور رحيم جمع حروف مركبه عدد جمع حروف
١٧ آيه ١٥ ٥٥ ١٦٧٥ ٢٦

ق ل ا ن ك ن ت م ح ب و ه ف غ ى

ع ر با ها انتم اولاء تحبونهم ولا يحبونكم وتؤ

منون بالكتاب كله عدد ه ا ن ت م و ل ه

ب ى ك حروف مركبه مجمع الحروف عدد آيه
٤٤ ٢٢٩٧

فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ

القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر

لهم وشاورهم في الامر فاذا عزمت فتوكل الى الله

يحب المتوكلين ف ب م ا ر ح ت ن ل ه
٩ ٣ ١ ١١٧٤١ ٣ ٧ ١ ٢١ ٢

و ك ظ ع ي ق ض ع س س ذ ن حروف مركبه
٩ ٤ ٢ ٢ ٥ ١ ١ ٤ ١ ١ ١ ١ ٢٢ ٦

مجمع الحروف عدد آيه يحبونهم كحب الله والذين
١٢١ ١٢٧٣ ١

امنوا

امنوا اشد حبا لله ي ح ب و ن ه م ك ا ل
٢ ٣ ٣ ٣ ٢ ٢ ١ ٦ ٥

١٣٢
ذ ش د حروف مركبه مجمع الحروف عدد آيه
١ ١ ١٣ ٣٤ ١٤٩٣

فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه اذلة

على المؤمنين اعزة على الكافرين ف س و ي
٣ ١ ٥ ٨

ا ب ل ه ب ق م ح ن د ع ر ك ١٨ حروف مركبه
٢٧ ٧ ٣ ٣ ١ ٤ ٢ ٤ ١٣ ١ ١ ١

مجمع الحروف عدد آيه يجاهدون في سبيل الله و

لا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء

والله واسع عليم ي ح ه د و ن ف س ب
١ ٩ ١ ١٩ ١٩ ٧ ٣ ٣ ٣ ١

ل خ م ب د ك ص س ع حروف مركبه مجمع الحروف
١٢ ١ ٤١ ٢ ٢ ١ ١ ٢ ٩ ٦٠٧

عدد آيه لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه
٤٥١٥

ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم

ل ق د ج ا ك م ر و ن ف ع ر ى ه ب ح
٥ ١ ١ ١ ٤٤ ٩ ٤ ٣ ٥ ٢ ٤ ٢ ٦ ١ ١ ٣

بس ب حروف المرکبه مجمع الحروف عدد ایه وعنت الوجوه
١ ١ ٢٠ ٥٨ ٢٧٩٦

للحی القیوم و ع ن ت ا ل و ج و ه ح ی ق م

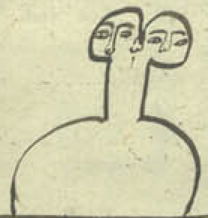
باب او برای محبت هر که تصویر سوسن مرجان را در نزد خود
نگاه دارد و هر که او را ببیند دیوانه شود روزی پادشاهی
بخارا یک کنیزان سیاه حبشی عاشق شده بود و ترک دیوان
و درگاه کرده و زن و خاصه گان کرده روزی آن کنیزک
مرده پادشاه از بسکه کمال با ان داشته خواست که روی آن کنیزک را
ببیند چون نظرش با او افتاد بغایت سیاه بوده و بد شکل پادشاه
تعجب کرده غسال اورده بودند که او را غسل دهد این حرز در سر
کنیزک بود غسال او را بر داشته و بر سر تخت قایم کرده مردمان تعجب
کردند و پادشاه کنیزک را با جمال دید گفت سبحان الله عجب حرزی است باین
بد شکل سیاه ندیدم و بر عاشقی نگاه کرد از حال عاشق شده و در حال او را

بنکاح

بنکاح خود دراورده و درخت این حرز هر که این حرز را خود دارد و جامس کتاب
دارد بنفقاد درست داشته باشد انبت

١٥	١١	٢١	
١٣	٢٤	١٠	١٩
١٢	١٧	١٥	٢.٢
٢٣	١٤	٢٠	٩

[illegible]
[illegible]
[illegible]



یا علوج	یا دعو یا	یا مفلفوس	☒
یا دلحو لغ	یا مفلفقود	یا نغلو	١١١ آطر ١
حیادیا	یا ح هرطو	ماشهنا	◫
الرهم	یادیثون	یا مفلیوس	٥
یا حصوهوهو	یا دیثون	یا حلفباء	☒
یا البرطل	یا قیموس	یا حلیموس	ما ☒
یا تیهلوس	یا تیهلوح	یا ملصطو	١١ ا ل
٣	٩	عو	لا
١٥	ن	١٦	



١٠١

[illegible]



[illegible]

اللهم صل على محمد [illegible]

[illegible] يا [illegible]

از جهت تب لرز این طلسم را بر سه برگ عنجیب نوشته
و در سه روز هر روز یکی را با قدری موم بر روی آتش
اندازد تا دود کند در وقتی که لرز آورد البته مجرب است

٣٨٢ ٢١٢ ٣٨١١١١٣٣ ٣٨١٤٦١٢٨

جهت تب لرز بنویسد بر پای راست ببندد اینست تجربه شیئا لله
دَفْعٌ دَفْعٌ دَفْعٌ دَفْعٌ دَفْعٌ رَفِیعٌ رَفِیعٌ رَفِیعٌ رَفِیعٌ
رَفِیعٌ رَفِیعٌ اَیْضاً بنویسد به پای چپ ببندد اینست
شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ
شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ شَفَعٌ تمت

وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض حنيفا مسلما
وما انا من المشركين ان صلاتي ونسكي ومحياي
ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين

اگر خواهد ظالم را رنجور کند بگیرد عدد آیهٔ فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و عدد اسم
آن شخص را بگیرد و در مثلث وفق دهد و عدد جمع کرده از وفق مثلث را در لوزه داده او وفق کند یا در گور مرده کهنه دفن کند
از برای مهر و محبت بگیرد عدد سورهٔ و العصر و عدد اسم طالب و مطلوب در مثلث وفق دهد و در
کوزه نو که آب نرسیده باشد بنویسد آن را در آب مراد و بریزد نام طالب و مطلوب بنده مهر و محبت بهم
رسد مجرب است
بجهت رواج دکان این مطلع بنویسد در میان مطلع بگذارد فروخته شود مجرب است
دفع ضرر زنگ این شکل را نوشته بر ضرر زنگ ببندند که مجربست

	م	ی	ط	ع
	٨٩٩	٨١	٣٩	١١
	٩٢	٩٠٣	٨	٣٨
	٩	٣٨	٨٣	٩١

مولقی	دولقی
خالقی	خولقی

از جهت دفع رعاف بنویسد و بر پیشانی چسپانید خون باز ایستد مجرب است
از جهت بچه دهانی زن این اسم را نوشته بر ساق پای بندد هر چند بچه زود منفک شود مجرب است

آنا دم جی آدم لا یو دم

از برای هر حاجتی که داشته باشد باید که پیش از شروع دو رکعت نماز حاجت بجا آورده و در سجده
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن یکصد و ده مرتبه این دعا بخواند
یا امیر المؤمنین یا ذا الکرم یا امام المتقین یا ذا النعم انما جئناک

ن حاجاتنا لا تحجبنا وقل فیها النعم و باید این عمل را بجا آورده بعد آورد

مجرب است. بجهت ادای دین هر روز بعد از نماز صبح یکصد و ده مرتبه بخواند مجرب است

یا خفی الالطاف نجنا مما نخاف یا لطیف ادرکنی بلطفک الخفی

هرگاه باسم کسی پر کنند و در هر خانه بعد اسم آنکس یا نافع گفته شود یا آنکه بعد از

حرف اول اسم حامل مربع یا نافع ذکر کنند و مربع را بطریق رفتار پر کنند از عظیم خواهد بخشید

یا نور وقبل کل نور والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی

یوم القیامة مع آیه ۳۲۲۲ هرکه خواند پنج سوره بعد پنج هرچه خواهد او یابد

غیر پنج صبح یس ظهر فتح و عصر عم واقعه مغرب عشا ملک اینست پنج

طریقه ختم صلوات هر حاجت بعد از نماز خفتن غسل کند بعد از آن دو رکعت نماز

حاجت بکند بعد از آن صلوات را یازده هزار مرتبه بگوید هزار صلوات در آن

مجلس بگوید بعد از حاجت بر آمدن بگوید

پس رستم کفعمی رحمه الله روایت کرده است که مردی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله

شکایت کرد از تنگ دستی و پریشانی و بیماری حضرت فرمودند که هر صبح و شام

ده مرتبه این دعا بخوان او در سه روز با چند عا مداومت کرد حال و [illegible] و دوا [illegible]

در رفاهیت برگشت و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب صبح ذکر کرده اند دعا این است

بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله توکلت

علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة

ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من

الذل وکبره تکبیرا از جهة زیادتی ذهن بعد از نماز صبح سه مرتبه بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان من لا یعتدی علی

اهل مملکته سبحان من لا یؤاخذ اهل الارض بانواع

العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل فی قلبی نورا

وبصرا وفهما وعلما وحکمة انک علی کل شیء قدیر

از جهت استخلاص از بند و زندان و فتح شدائد و هر حاجتی که باشد بین علاء قیام [illegible] بخوانند

ده یوم هر روز ۱۳۶۹ بخوانند مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم

رجب	جمادی آخر	جمادی اول	ربیع آخر	ربیع اول	صفر	غره محرم
شعبان						
غ ۱۰ جمعه	شنبه	شنبه	شنبه	شنبه	شنبه	شنبه
۳۰ ۲۹	۲۹	۳۰ ۱۲۴۵	۲۹	۳۰	۲۹	۳۰

	ذی حجه	ذی قعده	شوال	رمضان
غره محرم	شنبه	شنبه	شنبه	شنبه
	۳۰	۳۰	۲۹	۳۰

بسم الله الرحمن الرحیم بحق وخلصنی بحقی یا سید الکریم نجانا منک

از جهت ... بسم ... هر روز ...

بسم الله الرحمن الرحیم یا خوا یا اد یا یا هی متغ ... برکردن ...



ع	ا	ح
ح	٥	٣
٢	و	ه

دمتغ حیا یا ادیا خوب

علده آبه ولکن به الف بینهم

انه عزیز حکیم

یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله وانه لحب الخیر لشدید

۱۴۹۳

والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی ۱۲۹۱

۲۱۲۳

استغفار در مدت ... ابتدا از غره ماه رجب ... عید رمضان قبل از صبح صادق ...

استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم

بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام من جمیع جرمی

وظلمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]